

مکتوب نجف اشرف

بر تمام سیاست‌پوش عالم واضح است که بزرگ بلتیک روس که در این انقلاب برای بردن ایران اعمال نموده جلب قلوب و تطبیع نفوس و بردن ایرانیان در تحت حمایت خود بوده است، پس از آنکه مبادی عالیه روحانین از این دسیسه مطلع شده برای سد این باب الابواب مساد و عطف عنایت ایرانیها از قونسلگری های روس بدو اعلان عفو عمومی داده و عامه را امیدوار نم بعد ذلك محض استعجاب مسرین ملت بداخله و احقاق حقوق ملت از آنان سده سنیه و عتبه مقدسه را مأمن و مأوی و ملجاء برای آنها قرار داده بجدی در این خصوص اهتمام فرمودند که حاجی ظهیر الملک کرامت‌شاهی را پس از ورود بقونسلگری روس بغداد نفع الاسلام آیت‌الله زاده اعظم آقا میرزا مهدی دامت برکاته تهیسات داده نجف اشرف طلبیدند و تلگرافات و توسطات بطهران فرموده امر او اصلاح و با کمال امیدواری دادند عهود و موافق مقته در همراهی ما ملت مالاً و حاناً مراجعت نمود مقصرین مطرود که این اقدامات و اطاف را دیده تام بطمع افتاده طریق نجف اشرف را رهسپار و بحیال توسل والتجاء مشرف می شدند،

نائب‌الصدر زنجانی آمد، حاجی میرزا ابوالقاسم امام جمعه طهران آمد، مشغول مرحمت شدند، انابه آنها قبول وتوسط درباره آنان بامناء دولت و ملت در ضمن مشغول مقدمات احقاق حقوق بر آمده استنطاقات می شد که ناگهان کار کنان روسی که در اطراف بلاد بدبساس مشروطه طلبی خدمت بروس میکنند دیدند اگر این مأمن و ملجاء دوام وثباتی بهم رساند روس از مقصد دور میشود، با تمام قوی در مقام هتک و بی احترامی این عتبه مقدسه و انداختن آن از مامنیت بر آمده بدسایس و وسایس کتبی و تلگرافی کردند آنچه کردند و بان عمل زشت اداره روحانیت را بسی از مقصد استقلال مملکت بیکطرف افکنده ما از اعمال این اغراض عجب نداریم چه از قدیم زمان خانه ساده لوحان ایران بهمین پلتیکات خراب شده است و تنبسی برای آنان حاصل نیست

نجف و اسف از مدبر يك جریده است که با این که خود را طرفدار مشروطیت دالته اظهار خلوص بر بزرگان ملت مینماید بدون تامل و تودی صورت شب نامه را که نویسنده او معلوم نیست دو صفحه جریده خود مندرج و زحمت چند ساله آیت‌الله زاده اعظم آقا میرزا مهدی را که در تقویت مشروطیت از مال و جان عزیز گذشته و هنوز مقروض يك هزار لیرایه عنای مصارف تلگرافات خارجه و داخله که در حمایت ملت شده است میباشد بپدر داد و نوع اهل علم را از درج آن صحیفه از خود متفر نموده بجدی که جرائد او را مرجوع داشته و قبول فرمودند

از جناب عالی متقاضی است که فرض حضرت مستطاب آیت‌الله خراسانی را از بنای دادن مقصرین به بیان صحیح بصوم فہانیده ارباب جرائد را که سمت تسامخی دارند نصحاً اعلام فرمائید بیش از این تبش بر ریشه اسلام نزنند و حدود مؤسین مصلحت را محفوظ و ناموس اسلام را محترم دارند،

(حرره الاحقر محمد التجنی)

حبل المتین

جناب مستطاب آقا میرزا مهدی آیت‌الله زاده خراسانی چنانچه ما به شخصه میدانیم و بر طالبان هم پوشیده نیست در وقتیکه احدی در میان نبود و صدائی از هیچ سری بیرون نمی آمد بزرگترین خدمات را بر اساس مشروطیت فرموده این بنیان قوم را مستقیم ساختند، قدماً و درماً درین طریق گوی مسابقت را از عموم ایرانی خواهان و اسلام پرستان ربودند، حق این است که خدمات تاریخی این وجود محترم را تاابد ایرانیان فراموش نتوانند نمود

ایرانیان بدانند حفظ احترام و شئونات مقام منبع ریاست روحانی اسلام علاوه بر اینکه از اصول مذهب و دیانت حقه آنهاست شرف و سعادت و نجات و ترقی آنان هم منوط به حفظ احترامات و شئونات این مقام منبع است، هیچ دلیلی حسی تر از واقعه برگرداندن استبداد صغیر به مشروطیت کنونی نیست که نبود مگر از احکام صادره این مقام منبع، و هرگاه از هیمنه و نفوذ مقام منبع ریاست روحانی اسلام نبود متجاوزین بحقوقی ایران

کار را یکسره کرده بودند و امروز هم نجات‌دهنده ایران از چنگال اجنبیان جز این مقام منبع منصور نیست و هیچ شبهه نتوان نمود که دشمنان اسلام و طماعین به ایران برای درهم شکستن نفوذ خدا داد مقام منبع ریاست روحانی اسلام بهزاران دبسایس و وسائل کادیه مجعوله متوسل شده تا بلکه بتوانند خود آیات باهرات را از قلوب ملت اسلام زایل نمایند، ولی والله متم نوره ولو كره الكافرون

اکمال‌الدین اتهم النعمه

قوانین و احکام آسمانی که از آنها تعبیر بدین مبین و شرع متین میشود بواسطه انبیاء اولی‌العزم از برای فوز بعبادت اخروی و قوانین موضوعه که بتوسط علمای عالم و حکما و فلاسفه حاکمه و ما تقدم که بجهت اصلاح امور و تسریل معیشت و تمدن دنیوی در میان هر قوم و ملت منتشر شده در نظر دور بین هوا خواهان بوع بشر و صاحبان حسن عالی که خدمت خلق خدا را مفتونند و در ایجاد مقتضیات هر عصری از اعصار مقهورند و ابقاء واحیاء مملکت را بقوه افکارعالیه بر اصول متین و محکم مقرر داشته‌اند که (المشاورت اصل الاصول) و قوه مملکت را در مشروطیت که اصول تدین و تمدست به شبه تجزیه فرموده اند که قوه مقننه و حاکمه و مجریه بوده باشد

قوه مقننه مخصوص است بوضع تذهیب قوانین و این قوه مانی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوفست بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و موشح بصحة هایونی

تصان هر یک از اجزاء سه‌گانه که بمنزله ارکان ثلاثه است منقسمت اصول قوانین موضوعه و قانون اساسی خواهد بود

بدبختانه ملت ایران و ایرانیان بعد از ندادگاریها و اریقه دماء و بذل مجهود و خسارت چندین کرور مالیه بمقصد اصلی که تکمیل هیئت مقننه است نائل نگردیده و ازین بیض عظمی محروم مانده

اگرچه دامایان نکته سنج و یافتگان این کنج بخون و جگر و بذل جان و شرف و ناهوس که

حاکم از بردن کمال رنج است از خفایایم و موز واقف و بوضع کنونی ایران و سایر ملل متمدنه عارفند با آواز بلند فریاد میکنند در صورت عدم انعقاد مجلس سنا اعضاء محترم مجلس مقدس شورای ملی شهادت ارکانه فعال ما یشاء و حاکم ما پرید خواهند بود و در هر امری از امورات دولتی و مملکتی که خارج از وظیفه آت اعضاء محترمت مداخله خواهند فرمود، چون مانع و دافی در مقابل نیست که جلوگیری نباید و الا چه ضرورت اقتضا نموده است تا کنون در صراط بریامده اند نماینده مجلس سنا را که از وظایب مختصه پارلمانست شرح و تفسیر نمایند و حال آنکه امنیت مملکت و بسط اساس عدالت و رفاهیت حال ملت و رعیت بر هر گونه امری از امور مهمه و خدمات معطمه مقدمست و تشکیل مجلس سنا که تأمیل هیئت مقننه است مصالح و تنساج مطلوبه و نوآند عمومی را متضمن است و رفع اشکالات کنونی را بدلال واضح و براهین قاطعه از دور و نزدیک مینماید

علمای عالم که عارف بمقتضیات هر وقت بوده هراران حکمت را در وضع شعب ثلاثه فرموده اند و تصان هر یک از این شعب مذکور خلاص مملکت و ملت میرساند مسلماً در عدم اقدام تکمیل اساس نویم و صراط مستقیم مشروطیت مزید فساد و اختلال مملکت است

چنانکه در این طول مدت حاکم هر دیکسی مشاهده بلکه از بدایت اولیه است اصول اساس تمدن که صحیح نشد فروعات بطریق اولی غیر صحیح خواهد بود و قتیکه نباشد شرفای مملکت از حقوق مشروعه محروم بمانند و دارای مجلس سنا که از مختصات آنها است نباشد در مقام استرداد حقوق منصوبه خویش سرآ و جبراً از هیچگونه مانی دراجرای قوانین مضایقه نخواهند داشت، و در این مدت چهار سال به تجربه رسیده است و بحکم عقل و تاریخ ملاحظه شده است

سنا بر تاریخ دولت فحیمه انگلستان اول دولتی است که مشروطه شده و دارای این حسن عالیست نسبت بسایر دول متمدنه، و به دولت و ملت ایران نشان میدهد در بدایت امر که قدم در صراط تمدن گنارده و علم حریت و آزادی را بر افراختند و

تا هنگامیکه تشکیل مجلس سنا را ندادند چقدر فساد در مملکت و ملت آندولت واقع گردید ، چقدر خونها بحق و باحق ریخته شد ، چقدر سلاطین عصر آندولت از اریکه سلطنت بزیر و بچاک مذلت پنهان گردیده و کشته شدند

منیبان حاذق درد را یاته و علاج نکردند فوراً تشکیل مجلس سنا نمودند مملکت از انقلابات فرو نشست و قوانین در مجرای خود جاری گردید (چنان کنند بزرگان چه کرد باید کار)

حال اولدولت عالم بشمار میرود از حیث تمدن ، و ملت شش هزار ساله ایران که آخرین دولتی است میخواهد داخل ملل حیه و دارای کنستیتوسیون گردد ، از این فیض عطمی محروم مانده و اسباب سحریه و استهزاء سایر ملل آردیده

در این سورت فریضه منزه هر فردی از افراد ملت مظلومه ابراست عموماً و حجج اسلام دامت برکاتهم و شرفا و بزرگان و سرداران و روسای ایلات خصوصاً **ص** با یک همت مردانه و جنبش عبوراه احسان را با تمام برسانند و تکبیل هیئت مقتنه را خواستگار شوند تا مملکت از انقلابات فرو نشیند و آسایش خلق خدا فراهم آید

وجدان سلیم کدام صاحب وجدانی حکم مینرطاید بالحق و العیان مشاهده نماید که اتلاف نفوس و هتک امراض و تسلط اجاب روز بروز در تزیاید باشد و اکال دین و اتمام نعمت را از اولیای امور و وکلای عبور که سعادت و شقاوت یک ملت مظلوم در کف با کفایت آنها است درخواست نمایند . امروز ملت بالغ و عارف بمقوق مشروعه خود گردیده آزادی که ثروت عمومی است و در خزانه سلاطین جور محبوس بود میتوان از قوی الحقوق دریغ و به ذیحق مسترد نداشت .

ملت آزاد است ، ملت بالغ است ، ملت عارف بمقوق خود است ، همان طور که متمم قانون اساسی را با آت جدوجهد وافی دریافت نمودند تکمیل هیئت مقتنه که تشکیل مجلس سنا است باکمال آزادی استدعا نمایند تا قنور و قصوری در ارکان شنب ثلاثه راه نیابد و مخالفی در ملک و ملت باقی نماند و شرفاء مملکت با نهایت مساعدت در استحكام اساس مقدس موافقت نمایند .

از رسیدن بمقوق مقتنه به خود راه عذرشان مسدود و حدودشان در میان ملت محوظ خواهد ماند ، از مسلمیاتت که تلافی مظالم خواهند نمود و مائق و مانعی در پیشرفت مطالب نوعیه و مقاصد کلیه در هیچ امری از امورات مملکت فراهم نخواهند آورد و قوانین در مجرای خود جاری خواهد شد و فساد و احتلالی در مملکت یافت نخواهد گردید

شهر ما آروز بر شکر شود

شکر ارزانت ارزانتز شود

کنش واحد در اصلاح مملکت بکوشند و کشتی ایران را از غرقاب هلاکت نجات بخشند .

اول کسانی که دارای این حس عالی گردیدند و التقات بدین نکته دقیق باریک فرمودند و پی بردند و گوی سعادت را از سببسون ایران ربودند ثوات مقدسه دوتن شاخص ایرانیان حضرتین ثوث المله والدين طالمین الحق والیقین الموبدین من عندالله شیخین الطایفه آیاتی الله فی العالمین حجج الاسلام والمسلمین العالمین الربانی آقای آخوند ملا محمد کاظم الخراسانی و آقای شیخ عبدالله المازندرانی ادام الله تعالی طلبها التالی بودند

از ناحیه مقدسه به لزوم تشکیل مجلس سنا دستخط آفتاب نقط شرف صدور یافت و وکلای ملت را از فوائد اکال دین و اتمام النعمه آگاه فرمودند

با آنکه اوامر مطاعه صادره از ناحیه مقدس را باید چون وحی منزل و احکام آسمانی بدانند و تسجیل در اینگونه امور مصالح خیریه نوعیه جبرور را بر هر چیز می مقدم بخوانند

تاخیر در حکم مطاع از چه راه است و الله عالم بالصواب

سید احمد شرف زاده

❖ اخبار مهمه ادارات مشهد ❖

قبل از آنکه اخبار مهمه را در معرض توجه خوانندگان در آوریم بعضی ادارات را که در لوابج سابقه نام نبرده ام باید ترجمه حالشان بشود .

(اداره جنگ)

این اداره **ص** با یک نام درخشنده سررشته مهم قشونی خراسان و سیستان را در دست گرفته در تحت ریاست یار محمد خان افشار اجودان بانی است ، این شخص جوانی است بالقطره شجاع و در مدارس نظامی آلمان تحصیل کرده است ، اما

دریغ که مرد بی تجربه گر همه لتهان باشد نادان است چنانکه در مسافرت او بدفع یا جلب سالار خان بلوچ قلعه که به بنجاه نهر تنگ دار پیاده میتوان متوج کرد با هزار سوار و پیاده و توپ فتح نکرده ، سالار خودش توپ را از يك ورود خانه بیاورد به تیررس قلعه برده و حال اینکه توپ را که همراه میبرد برای این است که دورتر از تیررس تنگ اینداده کار شروع کنند ، بلی توپ را به تیررس قلعه برده و قلعه گیان نیز باو فرصت تیر انداختن نداده و با يك گلوله مجروحش میکنند ، از آنجا برگشته در تربت و طراش میباید و برغم آنکه سالار خان بلوچ جمعی بیگناه را به پیشکاری وادارش گرفته و قریب ده هزار تومان مصادره نموده و کله آویز کرده و چوب میاب آستین آنها میکند ، دیگر پس از آنکه سارقین فارس حدود جنوب خراسان را به یما برده و آواز رعایا همه روزه با محمن ایالتی میرسید ولی بگوش ایالت و ریاست قشون نمیرسید ، بلی وقتی لشکر به تدمیر سارقین فارس کشیدند که سارقین فارس رسیدند ، مال مردم رفته و دل خلق تفته جناب رئیس قشون مدتی در طبس اقامت فرمودند و پس از آنکه نمایشات خود را باتها رسانیده مراجعت نمودند ، ولی بنسازگی از قلعه زور آباد در نواحی طبس راهبورت تلگرافی رسید که چند نفر انفاس بر سر ذغال سوزها ریخته و دو نفر آنها را میاب آتش انداخته یکی پاك سوخته دیگری نیم سوز است ، دیروز هم خود ذغال سوزها بمشهد آمده ، تطلم شدند از طرف ریاست قشون صد سوار برای دفع اشرار بطرف زورآباد و سرخس گسیل شد

(اداره کارگذاری)

رئیس این اداره (نیدل الملک) گیلانی است مردی اعتدالی الطبع و دیپلماتی المشرب است ، ولی نتیجه دیپلماتی و اعتدال مزاجی را همان پیروی کردن به متمنیات همسایگان میداند ، افسوس که امروزه تمام شعب وزارت خارجه ما دارای همین مسلک نابکار که سرچشمه همه مرعوبیتهاست میباشد ، خدا رحم کرده (پارس دایژا) جنرال قونسول روس بواسطه اختلاط ما ایرانیان مخصوصاً اصفهانیان از خشونت

و اجحاف کاری طیبی سایر روس نژادان يك دو به پائین تر است و الا بدیهی بود که رکن الدوله و چند نفر دیگر از متبعین روس خراسان را چگونه دودستی ندیم میکردند ، نیدل الملک دو سه ماه است که يك درجه مسلککش را بهتر کرده و در دو سه مسئله مثل (زدن افسر روس بلیس را) (و نصب اعلان انگلیسان) حرکت مذبحی کرده و میکند ، عذر اهل کاری او هم موجه بوده ، زیرا میگوید وقتی که وزرای ما مسلکشان بدتر از من باشد من چه میتوانم بکنم ، ما نیز تصدیق میکنیم ، روز شنبه هجدهم ج ۲ هم که دوسه نفر از رعایای روس ششول بازی کرده و يك نفر از خودشان و يك نفر از ایرانیان را کشته رئیس نظمیہ بنا بسلکی که بنازگی اختیار کرده بنای اهل کاری را گذاشت و در این مسئله کمال بی حسی را بخرج داد ، ولی نیدل الملک با جنرال قونسول دیدار کرده رئیس نظمیہ هم حضور یافته اعلان چاپ کردند ، از طرف قونسول روس و کارگذاری ایران در خصوص اینکه تبعه روس ابدآ حق حمل اسلحه ندارند ،

(اداره تذکره خراسان)

این اداره در سابق از اداره کارگذاری مجزی بوده و همین جهت يك مخارج گزافی برای دولت بعمل می آمد (شرح شارلاتانیهای مکرم الملک رئیس سابق تذکره خراسان و حیف و میل های او را همه شنیده و محتاج به تکرار نیست) از سال گذشته اداره تذکره جزء کارگذاری شده و در تحت ریاست آقا میر سید حسینخان که یکی از تربیت شدهگان مدرسه سیاسی است درآمد ، این جوان مجرب نیابت اول کارگذاری را با ریاست تذکره توأم کرده و در غایت درست کاری از عهده این دوشغل مهم درآمد ، نگارنده برای اخذ چند مطلب مشارالیه را دیدار کردم او را یکی از صاحب نظران و موقع شناسان این دوره دیدم خدایش توفیق خدمتگذاری بدهد ، گرچه این روزها بموجب تلگرافی که از وزارت خارجه بمشارالیه رسیده ترفیع درجه باو عطا شده و بجای او در خراسان دیگری منصوب شده است ،

در یک دو هفته قبل جناب ظهیر السلطان و

جناب علاءالسلطان در انجمن بدی حضور بهرسانده و بواسطه مایقی که در کار آنها دیدند بعضی اظهارات کرده و کلاً هم یگان یگان برخاسته استعنا دادند ، قرار شد از نو دعوت برای انتخاب شود ، ولی از قراری که میگویند هشت نفر از وکلا هنوز استعنا نداده اند و در اینصورت انفصال انجمن صورت خارجی پیدا نکرده است ، رئیس عدایه آصف‌الملک بواسطه اینکه در طرف نه ماه شش هزار تومان بلکه بیشتر مأخوذ داشته و یک ماه بیشتر حقوق اجزا را پرداخته و بعضی پیمانها معمول داشته است ، پرویز مسعی شده و ندیبانی ترقی ریاست عدایه حرکت کرده است ، آصف‌الملک همچنانیکه سابقاً معروض داشته بودم آدم بجالی بود ولی این ندیبانی که مسلکش از لقبش پیدا است اگر وارد شود قدر آصف‌الملک بر مردم معلوم خواهد شد ، رئیس نظیبه پس از عزل وکن‌الدوله و ورود رئیس دوائر ثلاثه یک برده ضحیی از روی کار هایش برداشته شده

عموم ملت خراسارا اخطار میشود

چون صاحب‌نصبان نظامی که مصدر امور قشونی هستند باید برخلاف سابق عالم به علوم نظامی و دارای تحصیلات جدید باشند که اسباب ترقی نظام مملکت فراهم شود ، لذا در ظل توجهات بلا‌نهایت حضرت حجت محل‌الله‌فرجه محض سلامتی دات ملکوتی صفات **بندکاش** اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری شاهنشاه **حماه** امپراطور ایرایان (سلطان احمد شاه قاجار) خلدالله ملکه و اقدامات اداره جلیله قشون مملکت خراسان و همراهی صاحب‌نصبان ذوی‌الغز والاحترام مدرسه نظامی در ارض اقدس از غره حمادی‌الثانی ۱۳۲۸ در کارگذاری قدیم که مدرسه علمیه بود برای تحصیل و تربیت اطفال صاحب‌نصبان افتتاح و ضمناً هرگاه از ابناء وطن و هوا خواهان ترقی نظام هم مایل باشند اطفال آنها مطابق نظام نامه مدرسه که ذیلاً درج شده پذیرفته میشوند و از سه بظهر مانده ممکن است اطفال خود را بمدرسه آورده معرفی کنند

نظامنامه مدرسه

۱ - اول مدرسه نظامی ارض اقدس عجاتاً درایچه چهار طبقه شاگرد خواهد بود ، اطاق

اول - فارسی مقدماتی، خط، تجوید، اطاقی دوم - فارسی، عربی، شرعیات، حساب، مشق خط، اطاق سوم - فارسی، حساب، جغرافیا، عربی، شرعیات، مشق خط، تاریخ، رگلهان، فرانسه، اطاق چهارم - فارسی، عربی، حساب، جغرافیا، فرانسه، رگلهان، تاریخ، جبر مقابله، هندسه، مشق خط، و شرعیات، چنانچه شاگرد برای اطاق پنجم تهیه شد که شرایط سال چهارم در آنها جمع باشد آنوقت جبر مقابله، هندسه، فیزیک شیمی، فرانسه، رگلهان، تاکتیک، نقشه برداری، قامه سازی، جغرافیای منصل، تاریخ عمومی و شرعیات درس داده خواهد شد والا شاگردان اطاق چهارم پس از یکسال تحصیل در مدرسه با اطاق پنجم خواهند رفت ،

۲ - شاگردانیکه سن آنها کمتر از هفت سال و بیشتر از هجده باشد جهة تحصیلات فوق در مدرسه پذیرفته نخواهند شد ،

۳ - شاگردانیکه بواسطه نساد عقیده و سوء اخلاق از مدرسه خارج شده‌اند پذیرفته نخواهند شد

۴ - مدرسه از چهار و نیم بظهر مانده باز و چهار بظهر مانده تحصیلات شروع خواهد شد شاگردانیکه بدون عذر موجه در هر ساعت معین حاضر نشوند مورد تفری و ملامت خواهند بود ،

۵ - هفته چهار روز صبح را دو ساعت مشق و دو روز هم ژیمناستیک خواهد بود، پس از اقصاء ساعت مشق شیپور کشیده شاگردان با کمال نظم وارد اطاق خود خواهند شد ،

۶ - پس از ورود معلم با اطاق مبصر هر اطاقی خبردار گفته شاگردان همه بحالت نظامی برخاسته مبصر اطاق جلو رفته پس از بجا آوردن احترامات نظامی که در رگلهان تصریح میشود صورت حاضر غایب اطاق را به معلم ارائه خواهد داد ،

۷ - شاگردان در هر ساعتی ۵ دقیقه درس و ۵ دقیقه تنفس خواهند داشت پس از انقضاء مدت درس شیپورجی شیپور کشیده معلم از سر درس رفته شاگردان در تحت نظارت مبصر خود از اطاق بیرون خواهند رفت، پس از تمام شدن ساعت تنفس مجدداً شیپور کشیده شاگردان بطریق مزبور عمل خواهند نمود ،

۸ - هنگام تنفس ماندن شاگردان در اطاق

ممنوع است مگر با اجازه ناظم آنهم در صورت لزوم
۹ - نوب ظهر شیور کشیده شاگردان در
همن مدرسه حاضر شده از آنجا با کمال معقوبات
بمزل خود خواهند رفت ،

۱۰ - سه ساعت از ظهر گذشته مدرسه باز
و به ترتیب مذکور درس شروع خواهد شد ،

۱۱ - کسانی که بدون جبهه غیبت های بی درپی
می کنند با کمال تاسف مدرسه از پذیرفتن آنها
استعفا خواهد داد ،

۱۲ - کسانی که غیبت کرده یا در مدرسه
حاضر میشوند باید برای توبت بی تصویری خود
رقعه عمهور بمهر اولیای خود شان به ناظم مدرسه
ارائه کنند و الا مورد مجازات نصابی خواهند شد ،
۱۳ - شش ساعت بعد از ظهر مدرسه تعطیل
خواهد شد ،

۱۴ - حاضر نکردن درس بجا نیارودن تکالیف
مدرسه بد رفتاری با معلمین و صاحب منصبان
و بد اخلاقی در مدرسه مورد مجازات نظامی سحت
خواهد شد ،

۱۵ - گفتگوی بلبیکی در مدرسه بکلی ممنوع
و شاگردان بجز گفتگوی درس و مشق خود در
مدرسه مذاکره دیگری نخواهند داشت ،

۱۶ - در هر اطاق يك كتابچه بجهت معلمین
معین شده که در صورت وقوع تصویری از شاگردان
در آن کتابچه ثبت و امضاء خواهند کرد و مبصر
هر اطاق قبل از مرخصی شاگردان باید آن
کتابچه را بناظم مدرسه ارائه دهد ،

۱۷ - کسانی که تصورات متعدد از آنها بروز کرده
و مورد مجازات شده اند مدرسه پس از اخطار
باولیای آنها از پذیرفتن ایشان استعفا خواهد نمود
۱۸ - باید معلمین شرایط تکلیفات خود را
انجام داده گفتار و رفتار آنها نسبت بشاگرد با
کمال احترام بوده از وظایف مرجوعه خود مخلف
نورزند چنانچه برعکس رفتار ~~ص~~کردند در صورت
وقوع بی احتزای از طرف رؤسای مدرسه کله
نخواهند داشت ،

۱۹ - معلمین باید در هر نقطه از نقاط ~~ص~~که
بصاحب منصب اول معلمین خود رسیدند با کمال دقت
احترامات نصابی را بجا یاورند

۲۰ - شاگردان اطاق اول و دوم ماهی يك
تومان و شاگردان اطاق سیم و چهارم ماهی پانزده
قران باید برای مصارف لازمه بمندوق مدرسه به
پردازند ،

۲۱ - در سالی يك مرتبه امتحان عمومی با
حضور نمایندگان دولت وامناء ملت و اولیای اطفال
داده خواهد شد ،

۲۲ - شاگردان اطاق اول پس از هشت سال
تحصیل در مدرسه امتحان شده در صورت خوب
بودن امتحان آنها از مدرسه با تصدیق نامه چاپ
خارج و بمخدمات دولتی قبول خواهند شد ،
اعتبارالسلطه

حیدل المتین

ما از جناب اعتبارالسلطه کمال تشکر را در
افتتاح این مدرسه داریم و امیدواریم در سایر
ایالات نیز تاسی به ایشان جسته اینگونه مدارس که
همگوه سعادت آتیه ایران و برتری صاحب منصبان
نظامی را ظاهر میدارد افتتاح فرمایند و از جناب
اعتبارالسلطه خواهش می نمائیم که در تکمیل این
مدرسه فعالیت فرموده نیکنامی ابدی برای خویش
فرمایند و هرگاه خدای ناخواسته این مدرسه هم
رفته رفته شکل سایر مدارس قدیمه و جدیده مارا
پیدا نماید جز اینکه نام مای ایشان هم جزء سایر
ارباب (لفاظی) بشمار آید و در نزد خودی و
بیگانه مورت يك گونه بدنامی ملی گردد نتیجه حاصل
نخواهد شد ، حسن ظن ما بجناب اعتبارالسلطه پیش
از ایست که در این عنوان زیاده بر این اظهار
عقیده نمائیم

فاجه

دیروز دو سه نفر از اتباع خارجه باهم نزاع
عموده و تیر ششول بروی هم خالی میباید دو تیر
بدو نفر یکی از منازعین و یکی از عابین خورده
و هاندم بدرود زندگانی میگویند، قاتلین فرار نموده
و تا حال دستگیر نشده اند، این مسئله ~~بص~~جواب
مسکتی است (اگر ساکت بشود) برای دولت
روس که قشون خود را باهراث باسم اعاده نظم
داخل کرده تا ملتفت باشد که ایرانیان طبعاً شرور
نیستند و اگر خلافتی بمیان آید از اتباع خود او
است که در ~~بص~~مردم دو نفر از عابین بی تصویر را

مقتول می‌نارند .

رئیس اداره گمرک مشهد ملی شصت تومان وجهی را که از هر عدل یکشای می‌گرفتند بقرار داد تجار که بمدرسه سعادت مشهد بدهند چند روز است که موقوف داشته و نمیدهند و حال آنکه این مسئله ربطی برئیس گمرک ندارد . اینهم یکی از بی‌حسابیها است که کلاً باید از خارجه منحل بشویم . دو روز قبل باسرایالت انجمن بلدی متصل شده و امر تجدید انتخاب نمودند . برای چه ، معلوم نیست . و در این افضال خیلی از مواد قانون مدنی مراعات نشده و تضییع شده است . ورثه شجیع‌الملک در این چند روزه وارد مشهد شده و سداً منظم شده‌اند که اموال و ثروت شجیع‌الملک را می‌خواهیم اشخاصی که غارت نموده‌اند حاضر و تا حال ده یک آن پولها نیز خرج نشده است . امروز از طرف اداره کارگذاری و قونسول خانه روس بلحاظ واقعه مسایله فوق این دو اعلان در دیل در ورقه چاپی و سها اشاعت یافت .

(اء-الان)

از طرف جنرال قونسولگری دولت بهیته روس ، چون دیروز که شنبه مقدم ماه بود بواسطه جهالت و نادانی بین سه نفر از اتباع دولت بهیته روس نزاع شده و طرفین بقصد تلف کردن همدیگر مشغوله خالی نموده یک نفر از منازعین که محمدآهنگر باشد گلوله خورده و امروز مرده و یک نفر بجهت بیگناه هم که با پدر و مادر میگذشت از سوء قضا گلوله منازعین بر او خورده سر تیر تلف شده لذا بصوم اتباع روس مقیمین مشهد امر میشود برای جلوگیری از این قبیل اتفاقات سوء از تاریخ دیل بعد احدی حق حمل اسلحه بوجه من‌الوجوه در داخل شهر ندارد و نباید حمل نماید چنانچه از مدلول این حکم محلب ورزیده و در شهر احدی حمل اسلحه نماید . اورین اداره نظایه حق دارند مشارالیه را جلب بجنرال قونسولگری نموده در جنرال قونسولگری اسلحه او ضبط ابدی و خودش مورد مجازات قانون خواهد گردید مورخه ۱۸ ج ۲ ۱۰۲۸ - مطابق ۱۳ جون سنة ۱۹۱۰ (جنرال قونسول روس دایرا)

اعلان کار گذاری نیز مبنی بدین مضمون بود

و در آخر آن جلب توجه پلیس ها را نموده بود بدین مضمون . کار گذاری از اداره محترمه نظایه و جمیع صاحب مناصبات و اعضاء و آحاد پلیس خواست می‌کند که مراقبت و دقت کامل نموده مضمون اعلان مزبور را بموقع اجرا بگذارند ، احدی از اتباع دولت بهیته روسیه از مدلول این اعلان مستثنی نخواهد بود (کارگذار مهام خارجه مملکت خراسان و سیستان نیل‌الملک)

خبر دیگر این است که بس تکفت و مایه تحیر است . چند روز قبل از این اسب یکی از قزاقان روس صاحبش را زمین زده و فرار کرده بخط مستقیم میان محسن مبارک رضوی (ع) رفته معلوم است در بین راه دهنه او پاره خواهد شد جل و تنک او نیز پاره و منقود میشود بعد خدام آن اسب را گرفته میبرد قزاق خانه بصاحبش تسلیم میباشد بعد از دو روز جنرال قونسول یک کاغذ رسمی یکی از رجال نمره اول مشهد نوشته و میگوید که خدام محسن تنک اسب قزاق را فرزدیده‌اند ، ماری آن شخص کاغذ را خوانده و میسپارد که یک عدد تنک نمره اول خریده و بجنرال قونسولگری بدهد ایرانیان راست که اینگونه مسائل غامضه و معماهای لاینحل حکم محابت روسیانرا خوانده افساد واضع شخصیه را بکنار گذارده از حال و مال خود مسبق باشند

مکتوب از قزوین بمشهد

(و از مشهد بکلکته)

مدتی است مدید که نه شما از احوال و اخبار مشهد به بنده و نه بنده از اوضاع قزوین به شما نوشته‌ام اگرچه مطلقاً نیست که بنویسم و کسالت نیارود نام واقعاترا تا نوشته باید خواند ولی اوضاع به بنده و شما که در صدد تفتیش هستیم پوشیده نمیاید . بنده بصیغه نذر تعهد شده‌ام که برخلاف سابق دیگر از اوضاع ناهنجار نویسم ، زیرا که میترسم مورت شدت ضعف مزاج شما بشود . تمنا دارم که شما هم در آتیه از اینگونه کتابت‌ها فرمائید ، زیرا که در عین پوشش آن مطالب دل شما ریش و حواستان بریش خواهد شد ، اگرچه این مطالب نه فقط دو وقت تحریر و تقریر بیاد شما می‌آید بلکه همواره ضمیر منیرتان بدآنها مطلع و خسته است این قدر بدانید که ایام

و اوقات در نهایت تأسف به بدترین نایبات میگذرد
و آن بآب منحوس تر میشود. شب که میخواهیم
بامید تمام که فردا برایشها اصلاح و درم و
برمی امور سبری خواهد گردید مع التأسف صبح
می بیم بریشاتر و درم و برهتر شده است ،
سبحان الله !!! نمیدانم این قافله ره گم کرده در
بیابان تخریب چه وقت بمرمزل مقصود خواهد رسید ؟
از هر راهی که میرویم سرمان به سنگ خورده و
نتیجه اقدامات به سنگ خاومه می بزند - هرچه
فریاد میکنیم جز از قلل حبال شاخه صدائی نمیرسد ،
حبال که در ازاء فریاد و صدای ما جواب میدهند ما
حبال میکنیم که استقامت ما باجابت رسید. بعد از
اندکی می بینیم که حبال هم چنان با برجای و قدمی
برای راه نمائی ما پیش نسیاده اند - گاهی يك شعاع
امرئده کوچکی از مسافت بسیار دور نظر میرسد
دوراً سالار قافله عزم و حیل بد آنصوب مینماید ، اواز
پش ما از عقب مہار اشتران در دست انسان و
خیزان گاهی باوج کوه گامی قصر دره برآمده بالاخره
برديک به شعاع میشود ، بعد در پیش پای خود دره
عمیق بی نهایت را ملاحظه مینمایم که از آن گذشتن
محال و مرع عقل را در طی مسافت آن بر خواهد
شکست ، و سرزمان مویه کنان در نهایت بی تربی
که بعضی از ماها مژده و بعضی را حال ناخوش
است بر میگردیم ، حایه اولیرا بز گم کرده پیدا
نمیکنیم ، متعجب مینایم ، طلعت تمام آن صفحه را فرا
گرفته ، بکدام سو رویم ، مهندس قدرت و طبیعت
ار تعیین چتر جاده عاجز است ، تمام صوه عالم آن
سامان روشن نخواهد کرد ،

در این بین حسن موسی میگوید من نمی آمدم
تا برز مرا آوردی ، آن یکی به حسن میگوید
من از اول میدانستم که ما در این راه گم
خواهیم گشت و خسارت از حد خواهد گذشت
و بالاخره منجر بفساد و روال خواهد شد ولی
گفتم ترسیدم مرا شہانت نماید و نسبت جهالت
و عدم عزم و ثبات و وفای بمن دهید ، تلخی تحمل
این نسبت ها را چشیدن نتوانستم ،

آن دیگر میگوید همسازان محترم صبر داشته باشید
بصرفت هر امری چنین سوانح را حائز است حال ملاحظه
فرمائید و اوصاف بدهید که چنین زیستن و مرگ نطلبیدن

چشمی دارد ، در هیچ يك از السنه و کتب لغتی
برای این نحو زندگانی پیدا نخواهد شد ، تا ملایمات
از حد و حصر افزون است از طرفی شہانت هم
سفران بحدیگر وسی نمودن باینکه تصویر را بعهده
هم گذارند ، از طرفی عدم وفای ، از طرف
دیگر دوست داشتن مال و جان در اینموقع بدون
سرحد باز ما باید امیدوار باشیم که عنقریب در منزل
معهود و مقصود بارها را فرود خواهیم آورد و با مال
چندین ساله خود که عقلاء یا علماء نقشه آنرا کشیده اند
نازل خواهیم آمد ؟ زهی تصور باطل زهی خیال محال
عقیده من در این باب این است که بدهای
صحیح لازم داشتیم که اینراه را رفته ونشیب و فراز
آرا پیوده باشند ما بخود گول خوردیم اینها که
می گنند ما بلد هستیم دروغ میگویند خود از ما
با بلد تر بودند ، طی بواسطه فرعون که شیوه موروثی
آباء و اجدادی من است با فادہ خشک و خالی مارا
گرفتار این پیچ و خم و پست و بلندی نمودند
مگر جبل التین دین و عروۃ الوثقی تدین و رجال الغیب
معاونتی فرمایند

قزوین نیز از آن قزوینی است که دیده بودید
و همواره اوصاع نا ملایم آن شمارا برح اندو داشت
هیچ فراموش نکردند حرف شمارا که میگفتید که
قزوین خود چه اندازه حوصله و وسعت دارد که
این همه باید هدف تیرهای ظلم و جور واقع شود
این قدر بدانید که برای پیودن عرض و طول و
عمق سطح ظلم کیات هندسه هیچ يك از مهندسیں
روی سکره کالی نیست و زرع ناقص عقول طول
این بحسابی را نتواند پیودن ، هشتاد میزان قیراط
کش درست کن قزوینی تا حال نتوانسته است میلی
درست نماید که وزن نقالت تصدی را سنجیده و معین
نماید ، آن دو نورین نیرین آن دو برادر که معروف
خدمت تان هستند و بواسطه اعمال سخیفته شان همواره
ذهن شما مسبوق باسم آنها هست بعد از رفتن شما
دست و پای زیاد زدند با شما ای که میبایستی خود را
معرفی نمودید ، یکی از ایشان وکیل شد خیلی خوش
حالم که مشارالیه را خوب می شناسند هر وقت که
میخواهد نطقی بکند زنگ سکوت میزنند ، بعد
آب دیگر مأمور ظلمیه یعنی رئیس عدلیه
قزوین شده و تا حال آنچه معلوم است ۷ هزار

تومان حقوق مردم را پانال نموده و تمام این پولها را داده حواله صرافهای بادکوبه گرفته است میدانید که نشو و نمای اینها در بادکوبه شده هر وقت و هر روز که خدا نکرده ساخته پیش باید فردای آن روز این دو نفر زرگوار در بادکوبه خواهند بود سایر اعمال اینها را قیاساً خود بدانید ، رجال و اعیان قزوین هم با این کارها کاری ندارند مشغول احتشاک غلات و ترتیب سایر کارهای خود بوده و هستند ، ضغفاء و اواسط ناس هم در اینگونه موارد هرچه کاند می نویسند و تلگراف میکنند چون اعیان دخالت نمی کنند تلگراف و رفته آنها بلا جواب میماند بعد می شبستند و مترصد جواب میشوند هنوز جواب نیامده ناگوارتر از اولی یک حادثه دیگر رخ میدهد که اولی را فراموش میسازند ، مصادر امور سابقه بزرگوشه نشین شده و میگویند ما با این طور کارها کاری نداریم اگر توانستند محرمانه سیبلی چرب میسازند بقول عوام جبرئیل از شنیدن این حرفها بر میریزد ، رؤسای روحانی نیز افسار مارا بقول خودشان به سر ما زده اند دخالت در امور ما ندارند ولی از یک سکار خود دست نکشیده اند و میخواهند کشید ، آن کار و شغل مهم نمودن اطرافیان است که دور دور به کنسار راه میروند ، من در این میانه خیلی بیطرفم و گاهی این يك شعر را که شا همیشه میخواندید میخوانم -
کنم شیشه در خرقه پنهان و ترم ، ز دست دراز
فراح آستینان ! ... آن شاعراده آزاده بالاتر
از شغل اولی خود به مقامی والاتر نائل آمد ، البته شنیدید که بآن یکمتر هرچه تکلیف وکالت کردند قبول نمود آفرین بر این وجدان ، آن دو سه نفر که هرروزه در مجامع و مجالس حاضر بودند و کبابه وکالت را می کشیدند به اینکه وکالت بلکه هیچ کاری بآنها ندادند در این اواخر راضی شده بودند که اگر چه مایب يك اداره هم باشد بعد از مقداری وجه دادن بآنها محول دارند طاقت نشد حالا از عصبه بقدمار تریاک سابقه خود افزوده اند یکمترشان چون دیدند در قزوین خبری نیست بطهران رفت و در آنجا تلاش زیاد کرد آنها نگرفت یکمتر به هم روا داشت که اسوورتش را در یکی از جرائد محلی گراورید نمایند باز نتیجه نخبید حالا

بسر و صدا در طهران است ، روسها که قبلاً سابق هستند و از اجحافات چیزی فروگذار نمی نمایند حتی دست درازی به ... در اینطور موارد میدانم که چرا نفس گاوگیرم مراخفه نمی نماید ، میدانم هم شهربان ما چه قدر حوصله و صبر دارند هیچ قومی از بی اسرائیل گرفته تا حال چنین صبور نبود کاسه تحمل اینان میدانم کی بر خواهد شد اگر چه بر شده و جای قطره در او باقی نماند اگر قطره در او بریزند همه سرشار خواهد شد برروز يك پیر مردی دوسه کله وقت آمد بهر بصور استقامت از بنده برسید آلات هم که بیادم اندر است گریه میکنم ، برسید عموحان مگر احمد علی شاه از این روسها در قزوین خبر ندارد ، اگر خبر دارد چرا اینها را بیرون نمیکنند اسلام و عصمت ما که از میان رفت مگر اینها را شاه میگوید ، در اینصورت من از قشون خواهم شد هر چه فرمان میدهند در اخراج اینها عمل خواهم نمود ،

واقعه هائیه زحمان و قزوین را در پست قبل برای شما نوشتم و عرض کردم که روسها با اشرار آنها معاشرت دارند ، تیر گلوله خوردن رضا بیگ را نوشته بودم فعلاً زحمان و قزوین آرام و ساکت است ، ولی میدانید که برده دیگر روی کار خواهند آورد امانت ما دست بروی دست گذارده مترصدیم که جبرئیل امین کارهای ما را اصلاح نماید حتی کوچه های مارا ملائک کروبیس لطیف سازند ولی خارجه از این غالت و خواب ما مذمت برمیدارند ،

باز همان هوسهای کودکانه کالسکه خریدن درشکه ترتیب دادند ، آلات تحمل چیدن ، همسایه و ملاحره به تمام شهر علییه حسنی درکار است بواسطه اعمال خود همکناراً بوحشت انداخته اند هر روز يك خرج تازه میترانند ، میدانم ایامه بولها به جیب که ریخته میشود ، اگر سایر ولایات هم این طور مأخوذی داشته باشد (بدیهی است که زیاد تر دارد) بالغ بر ۲۰ کرور است این خود دولت ما را از همه چیز مستغنی میسازد ولی افسوس تنانگ گوشت فرمای حجاج در میان اعراب تقسیم میباید آنها هم گرسنه میبیرد و میخورند و می اندوزند تمام میشود این است که اثری از او نیست ،

◀ کرمان ▶

(خلاصه اخبارات)

قوام الملك استعفا کرده بخارس رفت سردار نظر مأمور بحکومت کرمان و سردار جنگ مأمور حفظ امنیت تا ورود ایالت ، امنیت و نظمی در نهایت صحت مرتب ، رئیس نظمی مأمور وصول بقایای اقصاع و افتار ، جناب آقا میرزا اسمعیل مجتهد و آقا میرزا محمود مجتهد محترماً مرجوع و معاودت فرمودند رئیس ادارات قبان داری و راهداری وارد شد ، چون میگویند به برخی ماکولات طالبات گذارده اسباب هیجان طامه شده ، تلگرافات بمركز شده بنای تعدیل و تخذیب دارند در شماره (۴۵) صفحه (۲۲) اخبار شاید اشتباه شده از اعضاء انجمن کسی نوشته ، بعضی نسبت ها خلاف واقع است اورا تردید میباشد از اتهامات معاون ایالت و رئیس مسارف تا بحال علاوه از مدرسه ملی ۳ مدرسه جدید احداث شده مدرسه سعادت مدرسه دانش مدرسه بنات ، کسانی که همت دراعاه نموده منصلاً بعرض میرساند ، نظمی در نهایت انتظام است ، از او نظم میبخواهند این نسبت ها مناسب نیست ، محض رفع اشتباه از اداره عرض شد که هیچ اخباری از اعضاء انجمن کسی نفرستاده است ، خوب است تردید و توضیح فرمائید

وکیل حیل المتین

◀ حیل المتین ▶

از این اخبارات و خطوط تجارتنی وغیره زیاد باداره رسیده ، منشی اداره اشتباها خط دوستانه را اخبار رسمی فرض کرده ، از کرمان نه بوده نسبت بکرمان داده است ، با وجودیکه صاحبان خطوط تا یکدرجه معروف اداره میباشند ، چون وکیل اداره تردید می نمایند لهذا از آنچه سهوا درج شده تأسف میبایم امید است کارها مقدرجا اصلاح گردد حفظ مراتب دیانت بر عموم ادارات لازم است زیرا که کلیه مشروطه بهمت حجج اسلام صورت بسته لذا اگر خدا نخواستہ بعضی ادارات خواسته باشند پشت با قواعد مذهب زده بخیالات واهی وقتار نمایند خطر عظیم دارد ، و ما بملاحظه حفظ حدود مشروطه گاهی ناچاریم رؤسای ادارت را یادآور شویم سکه جزئی و کلی اعمال آنها هر هفته در خطوط تجارتنی وغیره باداره میرسد و اینکه این اخبار را نسبت

بوکیل انجمن داده سهو حروف چینی است

◀ اعتذار لئ کرمان ▶

در اخبار حیل المتین در شماره ۴۳ صفحه ۶ شرحی جناب مستطاب آقای حاجی میرزا بھی دولت آبادی سلمه الله در جواب عبارت معترض و مکتوب کرمان مرقوم داشته با نهایت ادب معذرت میبخواهم که مقصود آت جناب را درست نفهمیده یکنشر ورقه ارمغان را نشان داد که آن جناب مرقوم فرموده که آنچه را امروز آذربایجان و گیلان محتاج است از اصلاحات یزد و کرمان سه سال دیگر حاجت خواهد داشت معترض دیگری بود نگارنده مطالبه مقدمات مطلب را نمود ندید و نیارود ، لذا محض حب وطن و کثرت خرابی کرمان این لایحه را بدون اسم و رسم نوشته چون غرض نگارنده و آنجناب هر دو وطن برستی است هیچ جای ایراد نیست ، شهادت ماها اهالی کرمان افتخار داریم باینکه مثل آنجناب وکالت این ایالت را دارا شده بلکه سعی کردیم اشخاص صاحب علم و عمل در این دوره بوکالت کرمان انتخاب شوند و اینکه نام خود را مستور داشته ۱۷ سال است نگارنده لایحه باداره حیل المتین تقدیم می نماید هرگز نسبت باحدی سوء ادب رفتار نموده و چون غرض خدمت نوع بوده نام خود را ظاهراً نساخته که بکنوع شهرت و خود نمائی باشد (الانسان محل التیسان) از این سوء ادب معذرت میبخواهم و امید عنو دارم و مرقومات آنجناب را آویزه گوش خود نموده امیدواریم همیشه این جور مطالب نافهه بجهت تربیت و تادیب ماها مرقوم فرمائید

◀ مکتوب کرمان ▶

از آنجا که یکی از اصول مشروطیت آزادی قلم و زبان است و بر هر فردی واجب است آنچه که بداند و فهمد بتوسط جراید که البته هرملق میباشند بعرض اولیای امور برساند این بنده هم لازم دانست شرحی از بیچارگی برادر است چیرفتی خود مرضه بدارد و مستندی است این لایحه را که بحمدالله خالی از اغراض است درجیده فریده درج فرمائید تا برادران وطنی ما بدانند که بر سر برادران عزیزشان چه آمده

محمد خان سرتیب کرمانی که يك از اشخاصی است که از عهد شباب تا کنون عمرش را صرف ادبیت برادران خود نموده است پس از آنکه مدتی باغجلی خان افشار که نوشتن شرح حاشی توضیح واضح است همدست شده مال مردم فلک زده را چایید و در سنه یحیی ثیل هم حاکم رودبار و حیرفت بوده و عابای بی چاره از شدن ظلمش او را خارج کرده بودند کرمان آمده پس از دادن تقدیمی مان لازم بقوام الملك حکومت حیرفت و رودبار و حیابارز و اسفندقه را گرفت ، با وجود اخطارهای متواتر انجمن ایالتی سکه مل دولت را جمع بنچه منقلی نمی توان گذاشت قوام الملك گوش نداده محض قوت استبداد بهادر الملك را با توب و اردو و مستشار دیوان که در استبداد صغیر معاون نظمیبه طهرانی و استبدادش مشهور است نیز با او فرستاد ، از اول ورود شروع در تعدی نموده الحاق آنی از ادبیت برادران خود تفلت نمودند ، چنانکه یکشب که محمدخان در (موکرد) ملک شخصی خودش و خارج از اردو بود با بهادر الملك و مستشار دیوان از حال دیدی خارج شده به غارت و چپاول (ساعری) واقعه در حنب (دوساری) حکومت نشین حیرفت امر نمودند علت هم این بود که پس از ده شب که اهالی تحمل سیورسات نموده امشب حاضر شده جواب دادند ، از جناب عالی که مرئی نوع این ملت میباشد سؤال مینمایم ما قانون کدام مملکت موافق است که سی چهل دختر را برای اجرای احکام هوساگانه یکشب بی ناموس نموده مال آنها را ببرد باز دیدند آتش قلبشان سکه از طلوع آفتاب عدالت مشتمل شده خاموش شده حاجی داد خدا کلانتر بیچاره حیرفت را گرفتار و بعد از مطالبه وجهی هنگفت و عجز از دادن او را باوای معنی کشند که قلم از نوشتن آن طار دارد ثیل سلیمانی بیچاره را سکه رعیت فقیری مستند چاییده کلی اموال بردند سکه اگر شرحش را عرض مایم (مطلوب شود) پس از آنکه قوام الملك حیرفت آمده به ملاحظه تقدیمی ها رسیده کی بهرض کسی نمود رعیت دل سرد شده ولو بتفریق گذاشتند تا آنکه قوام الملك محمد خان را بجهت تفریح محاسبات دیوانی کرمان فرستاده محمد خان بخبات سابق صد

تومان مخفیانه به معاون ایالت داد و بخیمال خام خودش از مهلکه خلاص شد، فافل از آنکه آن سبو بشکت و آن بیاه ریخت عصر همان روز که معاون ایالت در مدرسه سعادت موعود بود پس از امتحان برخواسته مطالب را اظهار و صد تومان را تقدیم مدرسه داش جدید الاقتاح نمودند محمد خان چون دید این حبله هم کارگر نیامد بخیمال فرار اتساده شبانه با ناظم تجار که او هم از مستبدین مشروطه نما و احضار بطهران شده بطرف ردایر فرار کرده که با بهادر الملك همدست شده نزد رحیم خان کرمان یعنی تنجلی خان افشار رفته بود - اری قوام الملك عمل نموده فتنه سر با نماید صبح این خبر منتشر و ریاست نظمیبه مامور تعاقب آنها شده در ردایر تلاقی نموده پس از زد و خورد حزتی گرفتار و حجاب بهدایه شدند ، بعد از ثبوت تقصیر با حضور اعضاء انجمن ایالتی و عدلیه بهجارات رسیده سزای یکی از اعمالش را دید ، محاکمات در حبس و منتظر ورود عارضین فلک زده که از خوف قوام الملك مخفی بوده هستند ، مستشار دیوان و تالاحسین خان که شخصا قاتل مرحوم حاجی داد خدا میباشد نیز در حبسند و این شرح را برای اینکه برادران وطنی من بدانند که دنیا دارمکاذت است عرضه داشتم و انشاءالله اولیای امور بعد از این در انتخاب اشخاص رعایت اعمال سابقه هر کس را نموده رعایتی بیچاره را گرفتار جنگال ظلم اشخاص بی شرف نه نماید که هم رعایا تمام شده و هم مدنی اولیای امور در زحمت باشند و امید است که این لایحه را درج و قریب تشکر فرمائید (سلیمان الحسینی قاجار)

سواد عرضداشت اهالی مظلوم حیرفت

(به انجمن ایالتی کرمان)

حضور مبارک علهای عظام و خان زادگان اعظام وفامیل وکیل الملکی بااحتشام و تجار بااحترام واصناف کار و طبقات تمام نفوس کرمان و طبقه زردشتیان و هنودیان و قرنگیان ساکن کرمان عرض میشود که بعد از اینکه محمد خان ظلم بدتر از سداد و عبد المظنر خان و مستشار دیوان ورود سعحت شان درحیرفت اقتاده با این ملت مظلوم بنای ناحت و تاراج گذاشته بعد از آن حاج داد خدا خان کلانتر حیرفت قریب يك هزار تومان زر نقد و عمامت

مطالبه نموده در منزل دوساری آنت مرد محترم
مظلوم را گرفته بدست غلامحسین خن داماد مستشار
دیوان که خولی ثانی است مشهور بظلم دادند چهار
شبهه روز آن بچاره را اذیت و آزار به ستمهای
بی شمار و کارهای غیر مناسب که اگر عرض نمایم
قلوب الاعیان منزجر و این لایحه ملوث میشود
بهزار زجرهای غیر قواعد و قانون عاقبت الامر
اورا بزهر جفا علاك نمودند که همچنین مصیبتی که
برای این بچاره حاج داد خدا خان فرام آوردند
مود باقی بمن مصیبت امام بحق موسی ابن جنتر
علیه السلام تا اینکه يك نفر از سادات ذوالز
والاحترام با حمدالله بیک مبعوث املاکات سرکاری
یس از يك شبهه روز نفس آن بچاره شهید را
از منزل دوساری بمنزل اصلی رسانده دفن نمودند
آخر ای علمایان بزرگوار ای محترمان با اقتدار ای
خان زادگان با احتشام ای اعیان کرمان ای تجاران
ای هوطنان ای آنکه پیروی اسلام دارید آیا در
کدام مذهب و ملت در کدام قانون در کدام
مشروطیت این طور ظلمی که در حق این شهید
شده کجا شده (مسلمان نشود کافر نه بیند) غیرت
مسلمان کجا رفت عجب قانونی در ایران جاری شد
الامان ای بزرگان دین ای هوطنان الفوت ای اهالی
کرمان ای اهالی یزد و خراسان و اصفهان
و تبریز فریاد ای اهل فارس ای اولیای مرکز
کاش خیر مرکز اهالی مرکز می آمد قانونی که مارا
بود بحریت و آزادی میدادند که مردم محدود
می شوند همین است خدا کند نباشد این چنین قانونی
که بزرگ و رئیس مان را شهید نمایند و خود مان
را تحت و ظلمها پاره در بدر بدر را به بروای کار
پسر رن وشوهر از حال هم بی خبر محض رضای خدا
رای آفتاب قیامت مگر تعصب مسلمانان از میان
رفته چرا باید قومیت از میان ملل برداشته شود
شاه آقاییان و اعیان تمام دربار بچاهای خود می نشینید
و چشمهایتان کشاده نگاه میکنید این طور بر ما
متم نمایند بخواری تمام بار آنها يك حق دست
یدامی يك شجاعتی نه هوطنان عفا فرما که داد ما
مصلومان از ظالمان بستانند بار آنها خاك ایران و اهالی
ایران بعد از بی نشکی و بی تعصبی معدوم کن مسلمانان
چه گناه کرده ایم چه خلاف قواعد و قانون نموده

ایم چه بازیگری نموده ایم چه سرکشی در وعیق
ستم زدهگان ظاهر گردیده عبد المظفر خان برادرش
را که در زمان مرحوم مضمون مبرور ناصرالدین
شاه کشته اند کلافی از ما بچارگات بنماید ای
مردمگان ایران ای شجاعان ایران سر از خواب
بردارید به بنید ما بچارهگان را بخواری آنچه
تمام تر کشته سر مان رفت مالمان رفت از وطن
خارج از شرف افتادیم میگویند قانون است ما ما
تمام دو فرار این لایحه را بمرکز کرمان عرض
کرده فرستادیم اما نمیدانیم دیگر تا همت بشری شما
آقایان چه اقتضا کند در جواب این لایحه جانگداز
چه جواب با صواب صادر شود فعلاً بطرف بندر
عباسی با تمام سیف علی و جیرفتی فراراً رقیتم تا
کار مان بکجا برسد طالبات شاهی مشتصد شاهی هر
قسم میل خود شان بوده گرفته و میگیرند در کدام
عهد چنین بی حسابی شده است این چه انصاف است
و این چه دین داری است این چه هوطنی است
الامان الامان الامان این واقعه جانگداز در ششم
شهر صفر المظفر تاریخی مالم شد در زمان مشروطیت
ایران بظهور بیوست ۱۳۲۸

حبل المتین

واقعا حدوث این حادثات در کرمان تنگ تاریخی
مشروطیت ایران است ما همان وقت که قوام الملک
بایالت کرمان منتخب شد امثال این واقعاترا میدیدیم
و از اینرو اولیای دولت را متنبه می ساختیم ما کمال
تشکر را از جناب نصره السلطان معاون ایالت کرمان
داریم که الحوق کارهای ایشان باید سر مشقه دیگران
گردد و جلب توجه اولیای امور را بحساب مظلومین
حیرت مظلوف میداریم که ملاحظه از سرحدات
و مراکز دور پیش از این لازم است چه اهالی
دور از مرکز بیشتر محل تاخت و تاز مأمورین
بی انصاف میکردند منتظریم که آقای نصره السلطان
مرحمی بر طمعه ریش ظلم رسیدگان حیرت بگذارند
تا ما برای تشویق سایرین روزنامه مقدس درج نمایم

اعلان

در شماره ۲۸ نامه مقدمه شرحی بعنوان سیاست
الحسبیه نقل از قول دو فیلسوف محترم آلمانی و
فرانسوی مرقوم رفته بود چون در حال اندراج
در روزنامه هم کسی را مقصود نبود که بطور

شده و با علم برود آنها را حلی بنماید وضع رای دادن و تعرفه گرفتن را ، جوت اکثر اهالی بلوچستان بی سواد بلکه وحشی هستند ، باری امید است که اولیای دولت توجهی هم باین سرحد بزرگ ایران بفرمایند

سیرجان

زیاد خان بهارلو که زمان حکومت قوام الملک ضابط سیرجان بود پس از استعفا قوام الملک بحریک کسانیکه مستحضر میباشند با عددی قریب ۱۵۰۰ سوار و بیاده سیرجانرا محاصره میبایند از ۲۶ شهرج ۲ الی ۲ شهر جزوی یکی آباد و ده یادگار که قریب شهر سیرجان است غارت میبایند، وخرمنهای اهالی را تشرمتزند و سه دفعه بقصد تصرف سیرجان مهاجمه نموده از سیرجان دفاع میبایند. اهالی چون چندان قومنداشته اند قرار میگذارند که قریب ۲۰۰۰ هزار تومان بدهند که شر این ظالم از سرشان کوتاه شود باز هم اطمینان نداشته اند که شاید پس از دادن این وجه باز از صرافت غارت برفتند ، از آنجائیکه اهالی سیرجان بی تقصیر بوده اند آقای میرزا حسین خان رئیس نظمیة کرمان بجهت وصول مالیت و اصلاح ایل افشار آمده بود در لاف که خبر محاصره سیرجان استماع میبایند پس از شنیدن این خبر با غنچهلی خان شیل یکی افشار از در صاحب در آمده با اردوی خود بطرف سیرجان حرکت، ۲ شهر جاری وارد سیرجان میشود ، سوارهای بهارلو چون می بینند که امداد جبهه سیرجان رسید يك مرتبه حمله بطرف اردوی دولتی میبایند لکن اردوی دولتی با کمال رشادت و جلادت مجال نداده بشلیک سه توب هم متفرق و قریب ۶۰ نفر از سارقین مقتول و باقی منہزم میشوند، حتی الامکان اردوی دولتی آهاراتعاقب میبایند که از خاک سیرجان خارج میشوند

حبل المتین

وقتیکه ایالت بریس دزد ها داده شود او نیز مجبور است که دزدان زیر دست خود را حکومت دهد و نتیجه آن می شود که دیدیم و می بینیم ، آیا این حادثات برای نبتة اولیای امور کافی نیست ؟
(لارستان)

جناب آقای میر جلال الدین خان به حکومت لارستان و سببه ۱۵ شهر رجب با استعداد کامل

دلخواه آنها قرائت نماید لهذا جناب مستطاب فضیلت نصاب عمدةالتجار آقا میرزا محمد رضا اصنہانی الاصل کرمانی الممكن آنها چاپ نموده و قیمت مناسب بیزروشد ، محض استحضار خاطر مبارك بك نسخه آنها ارسال خدمت داشتم و مخصوصاً استعدا دارم این مشقه را در نامه مقدسه درج فرمایند تا شاید تجار محترم دیگر هم در امور خیر از ایشان بندگانند علی رضا بن وکیل الدوله

نمره اول کلاس عالی مدرسه الحادث کرمان

حبل المتین

ما از جناب آقا میرزا محمد رضای تاجر اصنہانی مقیم کرمان از این خدمت بدیانت اسلامی تشکر مینمایم ولی عقیده ما این است اینگونه رسایل خیریه را هرگاه بدون قیمت توزیع می نمودند مزید بر حساب شان میکردید ، چنانچه حضرت مستطاب آقای سید المحققین در تبریز با کمال نظافت و ظرافت طبع فرموده بجای تقسیم فرمودند و عوالم اسلامی را رهن امتنان خویش داشتند

اخبارات بم و بلوچستان

وضع بم هنوز بر وضع سابق است ، نه الحمن ولایتی دارد به نظمیة به بلدیة نه عدلیہ ، حکومت (م) هم از اول ثور با نصرة الملک بمی است ، تاکنون خلاف قانون از او دیده شده است ، لکن بکثر حکومت بدون عدلیہ و نظمیة و بلدیة و الحمن ولایتی چه میتواند بجماید ، قلعه نهرج بلوچستان با چند صد هزار تومان ذخیره دولتی در تصرف بهرام خان بلوچ است ، و خالصجات قلعه بیور در تصرف سعید خان است و يك سال است محمدالله دولت ما مشروطه شده نمی دانم رؤسای ملت و اولیای دولت هیچ بفرسکر بلوچستان و بم که سرحد بزرگ ایران است نمیباشند ؟ اهالی بم هنوز وکیل شهرات را معین نکرده اند اگرچه اکثر آقایان و اهالی بم درباره جناب بجرالعلوم کرمانی رای داده اند لکن در مجلس مقدس هنوز نمایندگی ایشان قبول نشده بواسطه اینکه اهالی بلوچستان هم باید رای بدهند در باره ایشان اهالی بم این قدر بی ذوق هستند که شرح بلوچستان را بمجلس مقدس عرضه نداشتند ، بجائتا که بانی هستند اگر هم بانی نباشند يك سال باید بکثرت آدم تربیت

از شیراز حرکت نموده و از قرار خط واصله از (اوز) ۱۲ نفر قزاق از طرف حکومت لارستان با احکامی چند وارد اوز شده اند که مأموریت لار و بستک و اشکنان داشته اند، و غرض ازین مأمورین تکلیف بدست آوردن حکومت است که چه نوع باید سلوک نمایند، از قرار خط (لار) گویا دو نفر قزاق وارد لار شده اند محمد حسن خان بهارلو مایه رسول خانی که از طرف خود اعلی لار نایب الحکومه میباشد. اسب و تفنگ قزاقها را گرفته و قزاقها بصیحت نموده از لارشان اخراج کرده
(عباسی و نواب)

ایچاها امانیت موقتی هست. نایب الحکومه نایب امانیت میباشد این همه هم از طرف حکمران احازه ۵۰ نفر تفنگچی دیگر بجهت نایب الحکومه رسیده است تا ۱۰۰ نفر تفنگچی از خود عباسی بگیرند. لاکس میدام چرا او ایسا امور یک نفر صاحب منصب داسی گسیل نمیدارد که این تفنگچیان داو طالب مشغول مشق نظام شوند و همیشه باشند، موقتی، و موجب هم پیش از حالا نخواهندخواست مصباح دیوان نایب الحکومه قریب یکماه است رفته است در میناب بجهت تعطیلات، علی خان هم قریب ۵۰۰ یا علاوه استعداد دارد و تمکین از نایب الحکومه نمیکند مانع وصول مالیات میباشد، علاوه بر این بعضی از آقایان که تا بحال شریک دزد و ریبی قافله بوده اند با خود مع نموده و تلگرافات جعلی بحج و طهران و بوشهر مخبره مینمایند و صاحبی علی خان را خواستگاراند، هرگاه چنین امری واقع شود دیده خواهد شد چند علی خان دیگر در آن واحد احداث شود که سالها مال مردم را غارت نماید. آمد از طرف اولیای امور مصدر و آمد دواتی شود همسایگان در جاشک همه گونه خودسری دارند چون ما مأمور صحیح با استعداد داریم بزرگان جاشک را محبوس مینمایند تبعید میکنند، جلالت و اتمام میدهند، مختصراً در این سرحد هیچ کس از آتش سرحد دیده نمی شود ادا کسی نیست که برسد، نمیدانم تا کی باید مشت رعیت فلك زده بی چاره زیر مرعوبیت اجاب باشند

کادرون

مدرسه شرافت را که در چند ماه قبل جناب

میرزا علی اکبر خان مدیر مدرسه ملی شیراز که از معارف پروران خیرخواهیکه پیوسته در ترقی وطن و هموطنان عزیز و دیوانه تبیی و ترقی ملت و ملتیان بودند در کادرون آمده تأسیس، و قریب پنجاه نفر از اطفال را که بعضی از آنها مجاناً بود با عدم استطاعت در دائره تعلیم و تربیت بطرز جدید در آورده و شب و روز هم خود را مصروف داشت، تا قابلیت و استعدادی که در کون نونهالان وطن مقدس مکنون بود باندک زمانی بدرجه شهود رساید، چنانکه سبب حیرت و مایه عبرت و تعجب عموم اهالی گردید، لکن بواسطه ظهور انحراف و بروز هرج و مرج و عدم موافقت اقتضای وقت تخیلات مشار الیه امورات مدرسه بمسئله تعویق و قریب بتعطیل افتاده

چند نفر آقایان متدصب معارف پژوه با دو نفر شیر زن با کمال شوق و شغف در حفظ و تقویت شرف وطنی حیرت دامن همت بکسر قوت زده مدرسه را در منزل بیرونی آقای بصیر السادات که یکی از جوانان ملت پرست عبور تمدن طلب میباشد مجاناً دائر و نهایت اهتمام و دقت را این چند جوانان متمدن وطن خواه با دو نفر شیرزن مرد صفت در استحکام آن نمودند، تا اینکه کوکب تخت اهالی مملکت فارس از افق سعادت طالع و برجم سطوت شاهزاده طر السلطنه فرمانفرمای مملکت فارس طاهر و از حسن کنایت این وجود، انحراف مشهود مقود و عموم مظلومان در مهد امن و امان در کمال آسودگی مشغول بخدمات ابناء وطن خود گشتند، جناب مفتی الدوله از طرف آقای میر سردار عشایر بحکومت این سنجه جنوی مأمور از بدو ورود شان اهالی کادرون آسوده و از حسن سلویشان منشکر، بد از تنظیبات امور توجه مخصوص را بطرف مدرسه اداخته اطفال را احضار و مورد محبت نموده و از برای مدد خرج مدرسه ماهی بچنومان از قرار تقسیم سیاهه مقرر داشتند

شب نهم شهر رجب المرجب بیست نفر از سارقین وارد شهر و نصف شب در خانه حاجی حسن نام از بستگان حاج والد آقای حاجی صدر السادات ریخته و یکی از نکاکین حاجی والد را غارت و حاجی حسن را بضرع روح صدر حکمت و کلاسه مطلق حداً

تعاقب نموده چند نفر از سارقین را بدست آورده در
صدد جزاء آنها هستید .

انجمن ولایتی سه روز تعطیل افتاد بواسطه نفاق
بین خود شان بعد از سه روز مفتوح گردید لکن
رئیس هنوز در انجمن حاضر نشده

آیچه دربارہ خواجہ عبد اللہ ناصر دیوان
بمرض رسانیده اند تمام مقرون بصحت بست

اسامی معاونین مدرسه شرافت کادرون

اسم	قران	تومان
حکومت	.	۱۰
معین التشریہ	.	۱۰
آقای حاجی سید محمود	.	۵
آقای نان التشریہ	.	۱
آقای بصیرالسادات	.	۵
ناصر دیوان کلاسر	.	۱۰
آقای رئیس الاسلام	.	۵
حاجی رحب	.	۵
خواجہ عباسعلی	.	۲
حاجی امیرالرتایا	.	۲
حاجی آقا خان	.	۵
مشهدی محمود	.	۵
ملا خورشید خان	.	۲

(میر عبدالحسین نائب الصدر کادرونی)

توحه مارنگ بست لندن

(۱۲ جولائی)

(یکی از شهرهای ایران را روسها به توپ بسته اند)

طهران ۱۲ جولائی - خبر مهم از استراباد که
در شمال مشرق ایران است بدیحا رسیده است و
بموجب این خبر قصبه (گنش تپه) را که در ساحل
بحر خزر است یک جہاز جنگی روسی به توپ بسته
است و صمناً ده سر از بحار متبر آجا را حبس
نموده ، بموجب راپورتیکه باجا رسیده است تفصیل
واقعه از این قرار است

ماہن لبانزوف (شخص روسی که متداخر
شیلات بحر خزر است) و دو نفر از مستاجرین
او گشتگوئی برخواست دریابیکی روس قزاق فرستاد
که مستاجرین را که رعیت ایران هستند بگیرد
مستاجرین ایستادگی نمودند و عذر شان این بود که
ما رعیت ایران و ساکن خاک ایرانیم چون سی

کردند که آنها را زور بپزند زد و خوردی برخواست
و در آن ضمن یک نفر قزاق کشته شد آنوقت
دریابیکی روس حکم کرد قصبه را به توپ بندند
میگوید که تمام قصبه خراب شده است

(ایضاً)

وزیر امور خارجه انگلیس در پارلمان در
نوزدهم ماه ژولیه جواب دیل را در باب واقعه
(گنش تپه) داد

ژارژدفر اعلیحضرت بادشاہ مقیم طهران کہ
تفصیل را تلگرافاً از او تحصیل نمودم راپورت
داده است کہ تقریباً سه هفته قبل منازعه برخواست
راجع بشیلات در (گنش تپه) در نزدیکی استراباد
و در بین منازعه یک ملا یک نفر قزاق قراول
قوسلگری روس در استراباد را کشت و دیگری را
روح نمود، چون قاتل و تمام اهل ده فرار کردند
کار گذاران روسن جہاز جنگی کوچکی فرستادند
از عاشوراده بہ (گنش تپه) و جہاز مرہور در
موقع ورود بہ تیر حالی کرد برای تحذیر اہالی
قاتل مالاخرہ خود را قراولان سرحدی روس تسلیم
نموده گفت ترجیح میدم در روسیہ استنطاق شوم
تا در ایران ، محاکمہ مشار الیہ در روسیہ خواہد
شد و دهقانیان لازم خواہد شد کہ خسارتی بدهند
ژارژدفر در حاتمہ میگوید کہ این واقعه را حالا
تمام میتوان بداشت و این واقعه در طهران اسباب
ہیجانی شد

حبل المتین

عجب داریم ارفرمایشات جناب (سرادوردگری)
کہ سرنایا میخواستند احکامات و زیادتای های روسیان
را لباس اصاف و حقاقت پوشاند - ایرانیان
راست کہ در این داط دقیقه عور فرموده در آتپہ
تکلیف خویش را بدادند ، رپورتیکہ ژارژدفر طهران
داده گوشہ و ریش ہیں است آیا هیچکس تصور
می تواند نمود کہ یک نفر مسلمان آنہم ملا قاتل یک
نفر روسی شدہ سپس ہم خود را تسلیم روسیان
کند کہ استنطاقش در روسیہ بشود ، این بیان فقط
برای این است کہ روسیان خلاف مساعده و
قانون سکرده اند ، ولی یک سکنہ بسیار تاریکی و
جناب (سرادوردگری) برای تنبیه انگلیسان ایرانی
خواہ اظهار فرموده کہ میتواند سر مشق متبی برای

آینده ایرانیان گردد، مینماید که این واقعه در طهران اسباب هیجان نگردید و مینماید بکلای ملی انگلستان که کاسه از آتش گرمتر نشاید، لذا ایرانیان راست که دست از اختلافات داخلی کشیده سر تا پا مذاقه در حرکات همایه شالی نمایند و بر چنین حرکت غیر قانونی که مخالف دوستی و تجاوز از عهدنامه ترکمان جان است پروتئیسای لازمه بنماید تا تهمت بی غیرتی و بی خبری و بی ملاحظگی در پارلمان انگلستان با آنها داده نشود. و تکذیب وطن خواهی آنها را نه نمایند - گنش تبه و طهرات رای ایران خواه یک حکم دارد، بی اینها همه ناشی از هرج و مرج دستگاه دیوان و اختلافات وزرا بوده ورنه ممکن بود که ایرانیان در این واقعه عنیم اراز غیرت و وحش خواهی نه نماید

حمله تازه روس بر استقلال ایران

مارسنگ پست مورخه ۲۱ جولای مینویسد که سنارت روس نایب السلطنه اظهار داشته که هرگاه محبر السلطنه والی تبریز را که سازگی عزل او از حکومت آذربایجان خواست شد اگر در کابینه جدید انتخاب شود دولت روس منظور نتواند کرد

حبل المتین

اگرچه ما نمی توانیم کاملاً تصدیق بگارشات جوان مذکور را بنمایم ولی نظر مداخلت های بیجا و حملات استقلال شکنانه و خواهشات خودخواهانه که هماره از روسیسان دیده ایم چنین تجاوزی را هم به استقلال ایران بعید نمی شماریم، و ما نمی توانیم رضا دهم که حکومت و وزارت های ما بمیل همسایگان خلق یا نصب شوند، چه بزرگترین دخالت در استقلال یک مملکت این گونه تصرفات بیجاست، کابینه جدید هرگاه بخواند که بمعریبت اسلاف خود رفتار نموده هر خواهشی که اجانب از وی بنماید منظور دارد، نه تنها هیچگونه پیشرفتی در اصلاحات ملکی نخواهد شد بلکه همه روزه بر خواهشات آنان خواهد افزود و یک دقمه خود را دست شادۀ همسایگان خواهد دید

کابینه جدید باید در علت حقیقی ارتقاع اعتمادات از کابینه قبل - ورنه نماید، اعتماد ملت از کابینه سابق آنوقت مرتفع گردید که دیدند سنارتین همسایه در اقبای سردارین و انزوای جناب صنیم الدوله و غیره

نماید یا تا کید نمودند باینکه تمام ملت هوادار سردارین بودند و جناب صنیم الدوله نیز از کابینه جدا نشد ولی اعتماد ملت بکدنه مرتفع گردید و شد آنچه شد، حالا هم اگر ملت به بیند همسایگان در انتخاب کابینه دخالت می نمایند پیش از پیش اعتماد شان از این کابینه مرتفع خواهد گردید، جناب مستوفی الممالک راست که هرکه را شایسته هر وزارت داند بدون ملاحظه اینکه همسایگان خوششان آید یا بدشان انتخاب نماید. و هرگاه عاقبتی پیش آوردند همان آن مانع را در مجلس علنی بکلای ملت ظاهر نموده هرگاه ملت و وکلاء رفع مانع را از آنها نمودند نیک نامی خود را حفظ کرده انزوا گزینند

ایرانیان راست که قدر خدمات جناب محبر السلطنه و آقای صنیم الدوله و امثال آنان که مدور بیگانگان اند دانسته همه گونه در احترامات و ترقیات ایشان کوشیده خدمت گذاران حقیقی بوطن را مایوس نسازند. ورنه همینکه رجال ما دانستند که شای عزت و عهده و مقامشان بسته باصغای خواهشات همسایگان است در خدمات ملیه و وطنی آزاد و متمر نخواهند گردید دامایان رهوز میدانند که عرض همسایگان در تأییدت ظاهری سردارین و اقبای آنها در کابینه محض این بود که این ذوات محترمه را در نزد ملت کثرت ساخته نقرتی از این خدام حقیقی وطن در قلوب ملت تولید نمایند چنانکه نمودند، حالا هم محض اینکه این کابینه را کثفت کنند و اعتماد ملت را بدیشان کم سازند بعید نیست که چنین اظهاری نموده یا شهرتی داده اند، چه غرض آنان هانا از کار باز داشتن وزارت خانه ها و تولید هرج و مرج در مملکت است، وکلا و ارباب نفوذ ملت راست که پس از تحقیقات لازمه هرگاه این اظهارات کذب باشد تردید نمایند تا تولید نفرت از این کابینه جدید در ملت نشود و اگر صدق است جداً کابینه را تأیید نموده برخلاف خواهش همسایگان رفتار شود تا در آتیه از این خواهشات بیجا نه نمایند

تقریظ

مجموعه عالم اسلام (لار وودوند موزولمان) دو سال قبل از ظهور انقلاب ایران و عثمانی را خبر داد و بر این وجه عالم اسلام را بحال استقبال خدش واقف ساخت.

مدیر مجموعه مذکوره (سیو لوشاتلیه) یکی از معلمین مدرسه طرد (کازد و فرانس) در یکی مجلات مهمه اروپ که اسمش مجموعه اقتصادی بن الملل (لارو و کونومیک انترنا سیونال مطبوعه بروکسل) است اجمال افکارش را درباره حالت حالیه عالم اسلام درج کرده است در ابتدای آن مقاله طویل که چهل صفحه دارد مصنف فاضل عرضه میدهد که اهمیت عالم اسلام دارای ۲۰۰ یا ۲۵۰ میلیون نفوس دو برابر اهمیت انگلوساکسون دارایی ۱۲۵ میلیون نفوس است. زیرا اهل اسلام که در بلاد امرضا و اروپا و آسیا دارای قسمتها هستند و در بلاد امریکا و آستریا نفوذ دارند اساس عمومی برای عمل عمومی ساخته اند. مصنف فاضل یاد آوری مینماید که انقلاب فرانسه مایه تحریک و مهیة حالیه اهل اسلام بوده. بعد از آن ترقی این عصر را عرصه مبدارده مثلاً مطبوعات اسلام که در آخر قرن نوزدهم صد روزنامه بوده امروز از پانصد بیشتر است

نظر این عالم فاضل اختلاط ملل اسلامی احتمال ندارد مثل ملل لاتیفی و ژرمانی، اما همان دور که وضع جغرافیائی و کثرت نفوس و اسکولوساکونها تفوق ریاست اقتصادی در همه عالم داده همین طور ۲۵۰ میلیون مسلمانان روزیکه يك عمل اقتصادی (اکنونی) مرتب کنند باسلام نفوذ عمومی را که برای آن مخصوص و مهیاست خواهند داد

(جمله دیل خلاصه حاصل آن مقاله است)
فرض کنیم که کنگره عمومی سنه ۱۹۱۱ بروگرایی برای اصول کار ترتیب دهد و ده سال بر آن گذرد در سنه ۱۹۲۰ دو یا سه هزار روزنامه اسلامی بذهن ملیونها از خواستگان خود میدهند فکرها وسیله مبارک خوب بر حاصلی را که مصر باشد برای خارجه بواسطه آنکه در هر يك از مراکز بی در پی مردم باسلام اقبال خواهند نمود. بعد از آن حال نژاد انگلو ساکسونی و آلمان و لاتیفی در مراکز شرقی که ریاست بدون مؤاخذه دارند چه خواهد شد؟ حالت حالیه عرب در رودزیا و شامی در امریکا و هندی در آستریا اسباب عبرت است. هر مسلم بصیری باید این سخنان مفید را در خاطر نقش کند. مدیر مجموعه عالم اسلام همت گاشته واه

ترقی را باین آشکاری خاطر نشان ما میسازد. ما باید ازو منشرک و اطلاعاتیرا که در آن مجموعه درج کرده اصفا نایم که یقیناً از آن متنوع خواهیم شد

واقعه ناگوار و یا زور صرف

ارمنی جاهی کاری، کربلای محمدعلی مباشر صنیع الدوله را در شمشکنده دو فرسخی شهر با تبر او را قتل رسانیده و خود ارمنی قاتل بسیاری آمده در مطایبه ساری و عدلیه اقرار به قتل کربلای محمدعلی میکنند. ملت به هیجانت آمده برای قصاص هجوم کرده ارمنی را ما يك هر نوکرش قتل میرساند. چند روز دیگر قونسولگری دولت بهیة روس ساری آمده بچهار تومان متجاوز بول خون برای ارمنی را مطالبه میکند. ملت بچاره و حجه مذکور را سرشکن کرده فوری قونسولگری داده دست تندی او را از ساری کوتاه نموده قونسولگری را حرکت میدهند

تلگرافات

(۲۸ رجب - ۵ آگست)

۱) امیرالبحر هندرس (و امیران تحت الحکم او امروز رهسپار (آسترلیا) شدند استقامت بحری را ملاحظه نموده رای خود را در استحقاقات آنجا پیش کنند

۲) مخبر (روتو) از (بیکن) خبر میدهد که دولت چین در جواب دولت امریکا (آیا دولت چین در ماه ستمبر در (هیگ) برای شرکت در کاهرس تریاک آماده است یا نه) اظهار داشته (قبل از ماه نومبر در کاهرس تریاک نمیتواند شرکت نماید)

۳) مخبر (روتو) از (برلن) خبر میدهد که کمیسیون اداره جنگی ژاپون فعلاً در (برلن) است و تدارک خرید (بلون) مای جنگی را دیده ۲۵ هزار نفر از بلون را همجا تحصیل مینماید (۲۹ رجب - ۶ آگست)

۴) دیوک آف کنات (عهده ریاست) کابوویل استیفتوت) را بعد از استعفا نمودن اعلیحضرت جارج پادشاه انگلستان قبول نمودند

۵) اعلیحضرت جارج (در اداره مستر) مککینه (عکس خودشان را برای ضرب سکه جدید برداشته اند) مخبر (روتو) از (میدرید) خبر میدهد که

بن (کاتولیک و پروتستان) قار زیاد عارض شده
رئیس الوزرای اسپانیا و کشتیان فرقه (کاتولیک)
مجرم فرستادن تلگرافات مومن و گریه الاطاف نسبت
به حکومت رجوع بصدیقه کرده، از (میدرید)
به سمت (بلباؤوس و سبتاین) قشون فرستاده است
ژنرال داکتر (گیل) یکی از سیاحان (امریکا)
که مدتی است در محاکم چین مشغول سیاحت است
اطهار میدارد که در اوایل سنه ۱۹۱۰ در (چنگتو)
بوده و ملاحظه کرده قشون چینی با استعداد کامل در
آجا ترتیب یافته و به انسران حاضره اطلاع داده
شده بود که (۲۰۰۰۰) فوج چینی از آجا بسمت
تبت نهضت نماید و از هر طرف صداها به (تبت)
تبت (بلند بود، بصر این قشون چینی در سایر
چین دیده شده، (داکتر گیل) اطهار میدارد
که در هر جا اهالی راعب و شایق تعلیم و ترقی
بصر می آمدند

روزنامه (ضرس) را عقبه ایست که عهدنامه
(روس و ژاپون) نوید میدهد امنیت اقصای
شرق را، ولی هنوز افق (منچوریا) چنانچه بود
تاریک است در آتیه اتمام راه های آهن (منچوریا)
را (روس و ژاپون) چه نوع خواهند داد
معلوم نیست، و امراض سایر دول چه قسم محفوظ
خواهد ماند تذکره از آتیه شده، در راه آهن
(شیچون - ایگن) امراض دول دیگر چرا
برخلاف حقوق (روس و ژاپون) است باید
توضیحاً بیان شود، و از راه های آهن (هنکاؤ
شیچون) که تاکنون دولت چین از آنها حصه
نگرفته نیز تذکره در میان نیامده

بزرگترین کروزار (لاین) که دارای ۲۶۳۶۰
ض میباشد در (دیون پورت) بآب انداخته شد
این روزاب زره بوش بزرگ تر از سایر کروزار
های دیاست

(غره شعبان - ۷ اکت)

تلگراف مصر ظاهر میدارد که شاعر و مدیر
روزنامه (الارم) مجرم انشاد اشعار باغیانه محکوم
به یک سال حبس شده است

(دوم شعبان - ۸ اکت)

از برلین خبر رسیده که ولیعهد آلمان بیاحت
شرق بدون همراهی زوجه شان رهسپار و در
هر نقطه پذیرائی رسانه از ایشان خواهد شد دولت
انگلیس نیز رضایت خود را در آمدن اوشان به

هند ظاهر داشته است
خریداری ۳ فروند جہازات جنگی آلمانی را
دولت عثمانی تصفیه نموده است بمبلغ (۹۰۰۰۰۰) لیرا
که مسمی به (کورفورست - فریدریک - ویکم -
و سنبرگ) میباشد، دولت آلمان بدل این دو جہاز
اخیراً در سنه ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ تعمیر خواهد نمود
دولت (پورتغال) عهدنامه جات تجارتی خود را
اصلاح مینماید - چنانچه عهدنامه تازه با دولت آلمان
بسته و با دولت انگلیس در محاره است و هرگاه
در این اقدام مقضی المرام نگردد عوارض جدیدی
را جاری خواهد کرد

(۳ شعبان - ۹ اکت)

از پترسبرگ خبر رسیده که مرض وبا شدت
و در اطراف نیز سرات می کند
روزنامه (ذیتنگ آلمانی) مینویسد که
سیاحت وایه د خالی از یلنگ است ولی اخبار
(تبت) این سیاحت را حالی از پلنگ میداد
چه رفتن ولیعهد در (بنگنگ و توکیو) مبنی بر این
است که خود را به ژاپونیان به نماید که آلمان دوست
بیغرض اوست

(۴ شعبان - ۱۰ اکت)

اخبار (ولام شتین) چنین اطهار میدارد که
جہازات آلمانی را که دولت عثمانی خریداری نموده
بوده ۱۳ اکت به ابای عثمانی روانه خواهند شد
نخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که این
اولین مرتبه است که رئیس الوزرای دولت عثمانی در
ایام تعطیل پای خود را از مملکت خویش بیرون
گذارده فعلاً رئیس الوزرای موصوف در (میرن
باد) متوقف و دو ماه در آنجا خواهند ماند با
(میرن وون بهرنال) و شاید با (کیدرلین و یچین) هم
ملاقات شوند - (طلعت بی) وزیر داخله از سیر
مضافات رجعت کرده و میگوید البانیا امن است و
در مقدونیا اطهار تظلمات بلغاریان خالی از مبالغه نیست

(۶ شعبان - ۱۲ اکت)

نخبر (روتر) از (اسلامبول) خبر میدهد که
برطبق قول انسران دولت عثمانی دول اروپا دولت
(بلغاریا) را نوشته که در (مقدونیا) تظلماتی
که از (بلغاریان) شده اکنون از آن ظلمها اتری
نیست و در آتیه هم خوفی نمیرود - دول خارجه
مصمم اند که در (بالکان) نگذارند ظهور
اغتشاش شود

(قیمت اشتراك)	ولا حق اخذ ابونه بدون قبض ندارند و تاوقت که (مشتركين و قبض مخصوص سال هجدهم دست نماند) (فقه شان برك شناخته نمیشود)	(جبل الدين كلكته)
(سالانه — شش ماهه)		مديكل كالچ استريت نمبر ۴
(هند و بزمه)	▶ نامه مقدمه ◀	HABIBUL MATIN OFFICE 4, MEDICAL COLLEGE STREET CALCUTTA.
(۱۲ روپيه — ۷ روپيه)		(كلية امور اداره با)
(ايران و افغانستان)		مدير كل مؤيد الاسلام است
(۴۰ قران — ۲۰ قران)		(هر دوشنبه طبع)
(عمانی و مصر)		(سه شنبه توزيع ميشود)
• مجیدی — ۳ مجیدی		(سه دوشنبه)
(اروپا و چين)		(شعبان المعظم ۱۳۲۸ هجری)
۳۰ فرنك — ۱۶ فرنك	▶ سنه ۱۳۱۱ ◀	(مصادف با)
(روس و تركستان)	▶ مراملات خصوصی بدون امضای	(۸ آگست ۱۹۱۰ میلادی)
(۱۰ منات — ۶ منات)	(معروف اداره درج نمیشود)	

المشرك

▶ در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود ◀
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

▶ الاهم فالاهم ◀

اهمترین وظایف کابینه جدید دو مسئله است —
اول اخراج قشون خارجی — دوم امنیت داخلی —
و با اول امنیت مملکت — دوم اخراج قشون اجنبی ،
رموز دانان درین مسئله مختلفه عقیده اند ،
بعضی میگویند که باوجود بنای قشون خارجی و آن
همه دسایس سری و علنی همسایگان دوست نا امنیت
داخلی محال و ممنوع است — و برخی را عقیده این
است که تاوقتی امنیت داخلی قائم نگردد بهانه جوش
و دسائس خارجیان مرتفع نخواهد گردید ، و ملت و
دولت را آن فرصت و قوت و وسیله حاصل نخواهد شد
که بقوت ملیه قشون بیگانه را از وطن محبوب خود
خارج نمایند ، پس از این دو کابینه جدید را لازم
است که توأم در رفع و دفع این دو مسئله ایران
و بران کن بکوشد ، و در هر قدمیکه بحفظ امنیت
نازل آید بهمان اندازه نیز سعی در اخراج قشون
اجانب گردد ، و همان قسم در هر ماده که از نفوذ
اجانب کاست توأم با امنیت داخلی قرار دمد

از مسلمات اولیه است که تا قشون خارجی در
ایران باشد اطمینان قلب برای ایرانیان حاصل
نشده صمیمانه در تقویت دولت نخواهند کوشید ، و
همین قسم است که اگر امنیت حاصل نباشد دولت

داد ، چنانچه در این يك ساله اخیر با آن قوت
و قدرت و نفوذ کفایت کابینه سپهسالار اعظم از عهده
وظایف مهمه بیرون نتوانست آید ، ولی اگر بانصاف
نگریم کابینه سپهسالار دوره انقلاب را بسلامت طی
نمود ، و بزرگترین خدمات را بوطن محبوب خود و
استقلال ایران کرد —

دوره این کابینه را دوره امنیت باید گفت ، و
دوره پس از این را که بحول و قوه خداوندی
حضرت اشرف ناصرالملک انتخاب کابینه فرماید دوره
ترقی خواهیم شمرد ، این است که اعظم وظایف
این کابینه را رموز دانان امنیت دائمی « نه بحرانی »
مملکت و اخراج قشون خارجی میدانند

این نکته را نیز حضرت اشرف آقای مستوفی
المالک رئیس الوزرا نباید از نظر دقت دور دارند
که در هر تغییر و تبدیلی طبعاً يك گونه سکوت و سکون
بحرانی نمودار میگردد ، و بآن سکون و سکوت
بحرانی قناعت نتوان و وزید و مغرور به پیش رفت
کارها نتوان شد ، سکون و سکوتیکه در تبدیل
کابینه امروزه بمنصه شهود رسد بحرانی است ، و
دارای هیچ گونه پایه و مایه اش نمیتوان شمرد ،
و در نزد عقلا و سیاستون اهمیت ندارد ، و قدرت
و لیاقت کابینه را ظاهراً نمیدارد ، این کابینه دوره

امنیت با اساسی در مملکت قائم شده و برای همیشه قشون بیگانه ترك ایران گوید -

اساس امنیت مملکت

اول قدمیکه باید کابینه جدید برای امنیت مملکت و درارد هانا تشکیل وزارت خانهای منظم و ادارات صحیح مرکز است. هرگاه وزارتخانها و ادارات مرکز تحت انتظامات صحیح نیاید ممکن نیست که روابط وزارتخانها و ادارات یکدیگر معلوم و معین شده بتوان تحصیل نتیجه صحیحی در کارها نمود. در صورتیکه وزارتخانها و ادارات مرکز بروفق صحت نباشد چگونه میتوان از مراکز دور و نزدیک و سرحدات ابراق امید انتظام و امنیت داشت. چه شعبه ادارات ولایات تمام متصل به وزارتخانها و ادارات مرکزی شود -

مثلاً در صورتیکه تهران از عدم انتظام روزی چند نفر کشته شود از بلوچستان و کرمان و فارس و خراسان و آذربایجان چگونه توقع امنیت توانیم نمود؟ و انتظام وزارتخانها و ادارات مرکز نیز منحصر در جلب مستشارهای خارجی است. چه ایرانیان در این سه ساله دوره مشروطیت امتحان عملی و تجاری خود را در حسن اداره داده بر طالبان طامر داشتند که حسن ایرانی از اصول اداری فعلا بی بهره و نصیب است

اولین وظیفه این کابینه جلب مستشارهای خارجی و ترتیب ادارات و وزارتخانهای مرکز است که نتیجه آتش امنیت مملکت می باشد. ولی تاوقتیکه مستشارهای عالم با تجربه جلب ایران گردد نباید دست بروی دست گذارده مملکت را بحال خود گذارد. بلکه باید اقدامات مقتضیه را در هر نقطه برای امنیت نمود. (مروط بر اینکه با فعالیت باشد نه قوالت)

امروزه غالب سنا مهمه مملکت بدون محافظت و نظر بطبیعت بشری محال است تاوقتیکه قوه قاهره در تجازات خویش مشاهده نکنند سناکت و آرام مانده بمقوق خویش راضی شود. چنانچه ملاحظه مینماییم حتی در زمان متدنه هرکجا که قوهی عسکریه بیشتر موجود امنیت بهره حاصل است. اول قدمیکه باید کابینه در امنیت ایران و درارد هانا فرستادن

یک عده از قشون بهر ایالت و حکومت میباشد - چنانچه باخاق دانایان اگر روج قوهایکه دولت مجبور شد بخارس بفرستد با سهام الدوله بود تا امنی فارس تا ایندرجه کسب اهمیت می نمود و ملت و دولت را دوچار این همه خسارات مادی و معنوی نیکگردانید

دوم قدمیکه کابینه باید در امنیت بلدان بردارد هانا تبدیل حکام کهنه پرست و کارکنان دوره استبداد میباشد. که محال است با اینگونه حکام و مأمورین مملکت کسب امنیت نموده و قانون در جریان آید. امروزه هرگاه حکام جدید دانا بر موز وقت با اندک استعداد بر مرکز دور و نزدیک فرستاده شود در کمال سرعت امنیت برقرار تواند شد بقره ما غلط محض و اغلو طه فاش است که

ایلات ایران را اسباب نا امنی تصور نمائیم چه ایلات ایران بیشتر از سایر طبقات در فشار حکام دوره استبداد بوده اند و مشروطیت برای آنها نعمت آسمانی است که از اجحافات حکام و قتل و غارت محفوظ می ماند - پس متذکرین و حکام و مأمورین کهنه پرست که بهر جا فرستاده شده یا آنها را اعوا نموده اند و یا امر را بآنها مشتبه کرده برای پیشرفت مقاصد فاسده خویش و جلب منافع خود آنها را بسرکنی و هیجان وا داشته صورت انقلاب مملکت گردیده اند در حقیقت ماده فساد. این عموهای فاسد دولتند. پس هرگاه کابینه جدید به تبدیل حکام بوجه احسن بکوشیده و در هر مرکز به اندازه حفظ امنیت قشون ساخو گذارد موقتاً تاوقتیکه مستشارهای خارجی بر سر کار مسلط شوند مملکت امن تواند ماند ورنه باید قبل از ورود مستشارهای خارجی تغییر کابینه را مشاهده کنیم در صورتیکه هیچ سود و فایده نبرده باشیم و نقصان بحرف مان هانا تضییع اوقات ذقیمت ملت و دوات خواهد بود

سوم اقدام کابینه که اولین اقدامش باید گشت هانا ترك مراعات و ملاحظه است. که در حقیقت اگر مدافه شود بدنام کننده وزرای ایران تا امروز مراعات و ملاحظه بوده است - هرگاه وزرای این دوره نیز مانند ادوار سابقه ترك مراعات و ملاحظه نکوینند و ما سنارشات خارجی و داخلی همان اعضای

ناسده اولیه (که غالب جاسوسان سفارت‌های خارجه و دست پروردگان مستبد اعظم میباشند) بروی کار آیند چندی نخواهد گذشت که تمام رشته های کابینه بنه خواهد شد

امروز موقع آن نیست که وزراء بملاحظه و مراعات بوجود جاسوسان خارجه و خائنین مملکت ویا رجال بی علم و قابلیت (ولوهم وطن خواه باشند) ادارات خویش را ملوث ساخته خویشتر را در تاریخ دنیا ننکین و استقلال وطن محبوب خود را مسموم سازند - هرگاه بدقت ملاحظه شود - خواهند دید که مصار ایسکوه اعضاء وزارت خاها و ادارات از استبدادیان علنی کتر بوده و نیست - درست باید تصور کرد که چرا اسرار وزارتخانه های ما قبل از اثنا و اجرا در وزارت خاها لندن و پترسبرگ موضوع بحث میگردد ، آیا سبی جز وجود اینگونه خائنین و جاسوسان خارجه در ادارات و وزارتخانه ها تصور دیگر می شود ؟

بزرگترین وظایف این کابینه همانا کوتاه ساختن دست این گونه خائنین و جاسوسان از ادارات و وزارت خاها دولتی است ورنه هیچ گونه پیش رفتی کابینه جدید در مقابل تشبثات پلتیکی مسایکات حاصل نتواند نمود

افتتاح مجلس سنا

(یکی از اسباب امنیت ایران است)

کابینه جدید که موظف به امنیت ایران میباشد البته در علت اغتشاشات آن دوره و این دوره مشروطیت عور و تامل تامه فرموده و دانسته است که بیشتر سبب ناامنی مملکت همانا طبقه اعیان و اشراف بوده ، مجلس سنا که نصف آن را دولت و نصف دیگر را ملت تعیین می نماید حافظ حقوق اعیان و اشراف هر مملکت شناخته شده تشکیل آن بالاساله مداء و مأواهی اشراف و اعیان هر مملکت است - چون مجلس سنا تشکیل یابد ، مسلم است همان اعیان و اشرافیکه امروزه در ماطن باسم حفظ حقوق خود بنای اغتشاش وانهاده ناچار توك بنارت سری کرده حقوق خود را قانوناً محفوظ خواهند دید ، و همین نکته بهترین اسباب امنیت مملکت تواند گردید - علاوه بر این باوجود مجلس سنا هرگاه که اذاعان

و اشراف مرتکب امری که مورت اغتشاش و خلاف قانون است بشود همان اعیان و اشرافیکه در مجلس سنا شرکت دارند از همجنس خود جلوگیری کرده مار دست مارگیر گرفته شده است - و از آزراهیکه مجلس سنا تابع مجلس ملی است هیچگونه خوفی ساری نتواند گردید که برخلاف حقوق ملی اقدامی تواند کرد -

انکار نتوان نمود که تا در حفظ حقوق جمیع طبقات ملت موازنه و اعتدال پیش نیاید آرامی و مانیت در مملکت محال است ، و در ایران تا زمانیکه مجلس سنا تشکیل نیابد آرزوی امنیت خطاست ، علاوه بر این خودسری های برخی از وکلا در آن دوره و این دوره مشروطیت بر ما ثابت می نماید که بدون مجلس سنا هیچ کابینه نتواند بوظائف خود عمل کند ، چنانچه تا امروز بجای پیش عقب رفته ایم - از این هم صرف نظر شود ، چرا باید یکی از مواد عمده قانون اساسی که تشکیل مجلس سنا است در آن دوره و این دوره معطل ماند ، لذا برده کابینه جدید است که در اولین وسیله از مجلس ملی بخواهد که عاجلاً قانون مجلس سنا را نوشته و در تشکیل آن سرعت نماید تا از عهده امنیت مملکت بتواند برآمد

(اخراج قشون خارجه)

بزرگترین جلب اعتمادیکه این کابینه میتواند از ملت بکند همانا اخراج قشون بیگانه است ، چه مسلمة دانایان میباشد که باوجود قشون بیگانه کابینه جدید هیچگونه پیشرفت در امنیت مملکت حاصل نتواند نمود که علت العلل غالب اغتشاشات ایران به طریق مستقیم یا غیر مستقیم همانا قیام قشون بیگانه است ، هرگاه قشون بیگانه در ایران نبود نه رحیم خان و داراب میرزائی بوجود می آمد و نه آن واقعات استقلال شکنانه در تبریز و ارومی و زبجان و قزوین و غیره رخ میداد و نه اشرار و سکنه پرستان به پشت گرمی قشون اجنبی مصدر شرارت شده و همه روزه ملت و دولت را به انداختن اغتشاش و ورود قشون روس در طهران تهدید مینمودند ،

چنانچه بدوا ذکر نمودیم اخراج قشون خارجه اساس امنیت داخلی است - و تاوقتیکه قشون

بیگانه خارج نشود ملت اعتماد بر هیچ کابینه نتواند سکود و تأییدات لازمه بدولت نخواهد نمود و اطمینان قلب در پیشرفت مقاصد ملی حاصل نخواهد شد - گویا در آت صورت هر اقدامیکه در امنیت مملکت بشود نتیجه معکوس خواهد بخشید پس اعظم وظایف این کابینه اقدام جدی در اخراج قشون بیگانه است و این اقدام برای رفع بهانه همسایگان باید نوام با حفظ امنیت مملکت باشد این اقدام لازم است هم سری باشد و هم علنی - اما علنی ظاهر داشتن بضررترین است که با بضای قشون بیگانه و آنهاهم اجحافات متجاوزانه افسران و تا پیمان آنها در مراکز متعدده عاجز و ازعهده امنیت بیرون نتوانند آمد و در جزئی و کلی امور بر طبق قوانین بین المللی الزامات سیاسی با اقدامات مسلحه دولتم بدهند و نیز در اقوال و افعال خود نباید روی مرعوبیت به همسایگان نشان دهند که هرگاه مرعوبیت آنان نزد خارجیان ظاهر گردید حاره هدف تهدیدات آنها واقع شده نخواهند شان گذاشت که هیچ گاه باختیار خود عمل نموده پیش رفتی در مقاصد ملیه بدهند -

وزراء کنونی بدانند که مرعوبیت از خارجه برای آنان جز منوربت ملت در حق شان تولید نتواند نمود ، و بقین کنند که با همراهی خارجیان بمقام منبع وزارت خود باقی نتوانند ماند « چنانچه اگر محمد علی و وزراء آن به پشت گرمی خارجیان بود باین خاک سیاه نمی نشستند »

کابینه جدید را لازم است ترك مرعوبیت گشته اعتماد ملت را بخود جلب کرده با فعالیت تمام در لزوم اخراج قشون بیگانه قانوناً اقدام فرماید ، نظر بر اینکه مراعات نزاکت بین المللی و ائتلاف همسایگی مانع از برخی اقدامات علنی کابینه بر علیه همسایگان است مجبور به برخی تشبثات سری نیز میباشند ~~که~~ نا نوشته باید بخوانند و نا گفته باید بدانند -

این کابینه نباید در موقع لزوم ملت را از برخی تشبثات بر علیه قیام قشون خارجه باز دارد - این کابینه در موقع لزوم نباید از کشف حقیقت ملت و مقام منبع ریاست روحانی تسامح کند - این کابینه نباید مقام منبع ریاست روحانی اسلام را از برخی صدور احکامات لازمه مانع آید - این کابینه باید در

اتحاد ملی کمال جهد و کوشش را بنماید - که اگر تأیید این کابینه را بتواند نمود همانا اعتماد ملی و تأییدات حاکمی مقام منبع ریاست روحانی اسلام است - این کابینه اولین وظیفه که بر او را متعمم است همانا ترتیب قانون تحت سلاح آوردن جمیع طبقات ملت است - چه بافاق سیاسیون نجات ایران در ترتیب قشون ملی است - هیچ دولت پابدار نمانده ، و هیچ ملت استقلال خود را حفظ نکرده جز در سایه قواصی مسلحه - و امروز بضای استقلال ایران در بین این سه حسیه قوی بجه منحصر به ترتبات قشونی است - و این هم منوط بمشق اجباری و ترتیب قشون ملی میباشد - که در موقع لزوم اقلاً ایران بتواند يك ملیون جوانان خود را زیر اسلحه آرد ، ورنه به ترتیب بیست هزار و صد هزار لشکر در میان این رقبای بزرگ ایران نخواهد توانست شرف و سعادت خود را محفوظ دارد ، و بزرگترین مواد قانون اساسی که در آن دوره و این دوره مشروطیت مطلق و مهمل مانده همانا مشق اجباری و ترتیب قشون ملی است و موز دانان خارجه و داخله که واقف بمواقف عصرند ماده الحیات ایران را همانا مشق اجباری و ترتیب قشون ملی دانسته اند - و هیچ عذری را ازین کابینه در ترتیب قشون ملی نتوانیم بذرفت و هیچ مانعی را برای اجرای این ماده قانون اساسی عایق نتوان قرار داد ، اگرچه احکام عتیقه مقام منبع ریاست روحانی اسلام در وجوب و لزوم مشق اجباری به ترتیب قشون ملی ناطق و کافی است ، ممالک برای تسبیح ملی صدور حکم تازه نیز در این موضوع از مؤیدات کابینه بشمار است

اگرچه تلگرافات روزی که تازه اشاعه یافته تا درجه فعالیت کابینه جدید را بر طالیان ظاهر میدارد ولی نظر بر اینکه بدبختانه خیلی اینگونه اشاعات از کابینه های ایران دیده شده اعتماد و اطمینان وقتی بر آن میتوان نمود که از قوه فعل آید و از درجه فطالی خارج گردد - امیدواریم که کابینه جدید لایحه لسانی یکی از سیاسیون که ذیلاً میگذاریم بدقت ملاحظه نموده عبرت گرفته سبق حاصل فرماید

(فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین)

در قلم یکی از سیاسیون

(لفظی و هلاکت ایران)

اخلاق و عقاید ملی در اعصار قدیمه که جالب توجه عمده حکما و سلاطین بزرگ عالم بود امروز از نجارب گذشته اثرات آنها در ترقی ملل در نظر اهالی اروپا از وضع و ترفیع از محسوسات و بدیهیات اولیه بشمار آمده و بنا و فضای هر ملت را بسته مریاخلاق و عقاید آن ملت می‌دانند!

در این عهد و عصر که ما ایرانیان بمقام جان بازی در راه ترقی و سرافرازی برآمده می‌خواهیم در شلفه ملل بزرگ متمدن عالم داخل شده و در آن دایره رتبه و مقامی برای خود تحصیل کنیم بحکم مقدمه فوق اول چیزیکه باید رؤسا و پیشوایان قوم مورد توجه خود کنند اخلاق و خیالات ملی است که اخلاق مذهب و عقاید صحیحه فقط هادی و وزادی است که بدان توان بسر منزل مقصود رسید! اساس اخلاق و بیان خیالات ملی یکی علم است دیگری ادبیات ملی، ژاپون اول قدمی که در تهیه طی طریق ترقی برداشت بجاء ملیان لیره قرض کرد و در راه معارف و انتشار فنون و علوم جدیده در بین طبقات ملت و تاسیس صحیح تربیت نوباوگان ملت صرف کرد و همه ترقیات و شجاعت‌های عمیر العقول ژاپون از اثر تربیتها و تهذیبات اخلاقی است که از بجاء سال بعد تحصیل کرده و همه مطلقین و مورخین را عقیده بر این است که ژاپون‌ها این حاکمان و رشادتی که در جنگ روس نشان دادند بوجه وجه بجاء سال قبل دارا نبودند و در جرکه ملل جنگی بشمار نمی‌آمدند!!

(بچه ایرانی شالوده عقاید و اخلاقش را)

(در مکاتب و مدارس میریزد)

از ادبیات ایرانست که یک رکن آن در لفظ و خاله و شراب و بجه بازی است که یکی از سفین بزرگ سمرقند و بخارا را بخال هندویش بچند و دیگری بعد از همری قلندری از وصال اهد پسری پیراهن میدرد و در و بجزیره آسمان را میزند که صبح نشود

کن دیگر ادبیات درویشی و خرقه پوشی و کسوت باوری و تحمل برقا و ذلت و خاک‌بودن قبل از خاک در دست از همه چیز داشتن و در گوشه بخردن

وسر بزایوی مراقبه و مکاشفه گذاشتن است، رکن ثالث مدامی و ننا خوانی و سبق رانی در دروغ بای خضوع و نیاز و تکدی و نماز! هرکس که نانی دهد یا انعامی کند باید دل و دستش را به بحر و کان تشبیه محسوس و عرش را با تمام الواح محفوظه اش گوشه از مغزش شمرد، و عقل اول و دوم را مسکن در سر زانویش داد، رفت رکابش را بجائی رساند که اندیشه بعد از تصاعد بر هفت کرسی فلک به اشکال بوسه بر آتش نواید زد

وکن و ابج ادبیات محبو و دشنام و زشت‌گوئی، استعمال الفاظ رکبک، و تشبیهات قبیحه که هر که قدر وقت و مال خود داند باید بدوش را تا آدم قلتبان و مادرش را تا حوا کبج بلان خواند، و خودش را مظهر تمام قبایح و مسئول تمام فضایح گفت!

نه فقط این اخلاق و عادات را طفل در کتابت می‌خواند و سر مشق اطوار می‌نماید بلکه در خانه و مکتب، در معاشرت والدین و خدمه و معلم و متعلمین این ارکان اربعه را در افعال و اقوال آنها معاینه کرده طابق التعل بالمثل تأسی بآنها میکنند، این است وقتی که بچه ایرانی بعد رشد و بلوغ میرسد مظهر تمام مفاسد و قبایح اخلاقی میشود! تا جوق است خرق عالم شهوت رانی و عشق‌بازی و خط و خال می‌شود همینکه رو به پیری و سستی گذاشت در پی درویشی و خرقه پوشی و حق دوستی می‌افتد سر بزایوی مراقبه و مکاشفه می‌نهد و در پی معشوق حقیقی می‌افتد! تحصیل زندگی را یا در تواضع و فروتنی و تکدی و تملقات بی‌جا و مداحیهای مهمل می‌بندد یا در طریق دشنام و عجو و استنادات قبیحه!

در هر دو مورد از افراط و تفریط یا بیرون سپاده

خرق عالم لفظی و دروغ گوئی میشود و بکلی دور از حق جوئی و حق گوئی میگردد! بسکه الفاظ غیر متصوره و جعل بی ربط و معنی در نظم و نثر و کتب و محاورات می‌خواند و می‌بندد و می‌شنود سراپا یکپارچه لفظ می‌شود، قوه متصوره، متخیله، قاعده مخترعه، ناطقه، حافظه، مدرک، قاعده و منفعل همه ناخوشی لفظ می‌گیرند، حظ را در لفظی و مهمل باقی - شرف را در رجزگوئی - عقل و فهم را در نقل، و تقسیم بیانات و تشبیهات بیش غولی طاری از هر تنه و مدح، سباده، استنادات، و استنادات، مشه

تحصیل معاش را در لفاظی میجوید ، مگر نه در
خاطرش نقش بسته که کلین و پیشوایان و فضلا و
حکمای ملت همیشه خود وظایل خود را به یک جو
قصیده مدح یا عجو تحصیل میکردند .

وقتی هم که چنین وجودی مصدر امور دولتی
میشود انتظام امور مملکتی را از لفظ می خواهد
« تدبیر و قوه و قدرت شخصی و مملکتی را در
لفظ میجوید - ممالک را بلفظ میخواستند بگیرد -
و سلاطین و امپراطوران گردن کس را بلفظ
میخواستند مطیع و منقاد نماید - نروت و ترقی مملکت
را بلفظ میخواستند ایجاد نماید - ملت را بلفظ
میخواستند راضی و شاکر نماید - اغتشاشات را (بقول
طالبس) بیک تلغراف میخواستند بخواباند - خرابیها
را بلفظ میخواستند آباد نماید - اهالی را بلفظ
میخواستند تمدن و عالم سازد - مأمورین را عوض
مواجب بلفظ میخواستند نگهدارد - از الفاظ مجزوه
میخواستند و (ان من البیان لحررا) را دلیل لسانی
خود قرار میدهند »

(شواهد و اترات و خیمه لسانی)

خوب است در اثبات و تبیین ناخوشی
حالیخولبای لفاظی ایرانیها و اترات و خیمه آن واقعه
چند سطور شاهد در اینجا ذکر کنیم ، از جمله
مکاتبات عباس میرزای نایب السلطنه با محمدعلی آشتیانی
است بعد از جنگ مشهور بچوبان اوعلی ، محمدعلی
که برای مذاکره و عقد مصالحه با والی بغداد
بارزیه الروم رفته بود بنایب السلطنه نوشته « والی
بغداد صحبت از جغرافی میکند ، پاره اصطلاحات از
قبیل نقشه و غیره میگوید که من هیچ نمیفهمم ،
خوب است مآور دیگر فرستاده شود که عالم باین
علوم باشد تا حقوق دولت را بهتر بتواند حفظ نماید »
نایب السلطنه در جواب مینویسد (و سؤال و جواب
هر دو موجود است) که « شاکه بزبان و حرافی هنت
جن را در یک بابوش میکنید چگونه میشود از
مذاکره و محاوره والی اطهار عجز نماید ، از قدرت
بیانی که دارید منتظریم والی را مغلوب و امورات
را بر طبق مرام دولت علیه انجام بدهید » نتیجه
این میشود که آنچه باختم سهل است هنوز هم می
بازیم و خلاصی نداریم ، بر دور توپم از دور
جدید و عصر خود صحبت کنیم ، در اواخر عهد

مظفرالدین شاه یکی از سفرا در رفع وسد تجاوزات
عثمانی در شال توصیه پاره اقدامات و نمایش پاره
استعداد و قدرت در جنوب و سواحل خلیج می
نماید ، قبله عالم و وزیر عصر که مثل سایر ایرانیان
بمرض لسانی مبتلا بودند و از لفظ مانند شیخ
عمار و میرزا غلامرضای شیشهگر منتظر خارق
عادات و کرامات بودند ، در جواب (که موجود است)
مینویسند « کارهایی را که دول با تیپ و توپ و کشتی
های زره پوش میکنند ما منتظریم که بنان و بیان
آنجناب در انجام منظورات دولت عایه بعمل آمده
محمد علی شاه محض اینکه این معجزه را در بیان و
بنان خود نشان بدهد بنفس نفیس تلغرافخانه تشریف
می رود ، حکم تلغرافی بسرکردگان آذربایجان میفرستد
و دستور العمل حرکت قشون و سوار بطرف
ساوجبلاغ میدهد در حالی که نه قشون هست و
نه هم باشد اطاعت خواهد کرد ، فرضاً هم اطاعت
نماید استطاعت حرکت نخواهد داشت همه
هم مرتب شد ، مشق بی مشق و تربیت و اسلحه
در مقابل هزاران عساکر منظمه و توپ و
تیپ عثمانی چه خواهند کرد ، چون شیفته تعظیم نه
ملتت معانی اقوال و الفاظ خود می شویم و نه
تاملی در حسن و تبیح نتایج آنها می کنیم ،
روزنامه نویسانم که خود را بری از خرافات
قدیمه دانسته هادی طریق جدیده میسرمدند از
شنیدن این بیانات قبله عالم خرمه های الفاظ را از
انبار های خاطر بیرون آورده روی ورقها بخش و
قبله عالم را در هوش و تدبیر بی نظیر شمرده
بهارك عصر و مابلیون دهرش نمودند ، بدون اینکه
تامل کنند نتیجه این فرمایشات تلغرافی چه خواهد
بود ، و اثر این اسجاع و قوالی در حرکات همسایه چه!
و حال آنکه هیچ ایرانی نیست که این بیت را نداند
(تا که بیک سم است گم کنند)
(ترکان سا نمل را وارونه زن)

این بود که سلطنت از شنیدن این اخبار در روزنامهها
بگمان اینکه دوره دوره جدید است (و دوره حاجی
بابا از میان رفته) دوازده هزار قشون با توپهای
کروپ روانه سرحد کرده کار خود را مستحکم و
بیشتر بخاک ایران تجاوز نمودند ، بعد از آن یکی از
شاهزادگان عظام پدق لفظ را بلند کرده مجلس

بل رمت و زنده باد خون ابرای گشت، و مقدمه
دوازده هزار قشوق برسد فرستاده غلغله در
روزنامه‌های اروپا پیچید که ابران یاد از گودرز و
طوس کرده بمقام جنگجویی و نام خواهی برآمده
چندی نگذشت که حضرت والا در حفاظت دسته
از قاطر سواران عثمانی بی بار و نه از ساجیللاغ
به میان دو آب برگشتند و آنهمه افتضاح رو داد !!
آنها نبود مگر از اثر ناخوشی لفاظی، اگر اندک
توجهی از لفظ یعنی میشد و درحسن و قبح نتایج
آنها تاملی میرفت به آنهمه افتضاح بالای آمد و
نه کار سرحد باین سختی و بزرگی میرسد
(اثرات پیشوای لفاظی در دوره مشروطیت)

بلی بسبب همین ناخوشی لفاظی که در رک و
پوستمان ریسه دوآند و برده های دماغ مارا فرو
گرفته است که غیر از لفظ و لفاظی چیزی نمی بینیم
و نمی فهمیم و در اقتباس هر چیز بهمان لفظ قانع
میشویم و هیچ بی معنی نمیبریم و الفاظ را هم هر
آن تغییر داده بشکلی درمی آوریم و دلمان را خوش
می کنیم که در راه ترقی افتاده چهارواسه رو بمقصود
میدویم و باز می بینیم که نه فقط از همان منزل اول
حرکت نکرده ایم بلکه روز بروز پست تر می رویم
و استقلال ملی و مملکتی مان از دست میرود و قیوم
رایے ما پیدا میشود !! مشروطه برقرار میکنیم
چون معنی منظور نیست فرداً فرد مستبد میشویم
و تمام حواس خود را بدین جمع میکنیم که اسباب
فراهم بیآوریم که کسی را یارای رد حرف و قبول
ما نباشد و همه مارا پرستند و وجود مارا مقدس
و مهبط فیوضات ربانی و منشاء علوم و فنون لدنی
بدانند، خیالاتی که بکله هیچ مستبدي راه نیافته
مصمم میشویم که مستبدین را بر سر کار نیساریم،
بدترین آنها را صاحب سلطان قرار میدهم که
اخلاق شاهنشاه جوان را فاسد کند! قانون میگذاریم
که وکیل کمتر از سی سال نباید داشته باشد بیست و
دو سه ساله را قبول بوکالت میسکنیم و استدلال
مینماییم چویش او خود را سی ساله میخواند و تا
کسی خلاف او را ثابت ننماید در قبول او بوکالت
حرجی نیست! در حالی که سازنده قانون خودمانیم
و ناظر اجرای آن خود مان پس هرکس بخواند
بخطئه بخلاف آن رفتار نماید باید خودمان مبدی

بشویم، در اینجا منظور ایراد شخصی نیست ممکن
است بیست و دو ساله از خیلی بجهت ساله طمتر و
عاقبت باشد، منظور این است یا باید قانون نسلت
یا در اجرای آن سرفشانی کرد، و الا بتلون مملکت
داری نمیشود کرد، باید قیوم پیدا کرد !!
کابینه تشکیل میدهم چون طلم طلم لفاظی است
عوض اینکه بمعنی کابینه عمل کرد رئیس کابینه را
با اکثریت آراء قبول کنیم و انتخاب وزراء را کلاً
بصده او بگذاریم و کابینه را در حکم واحد بدانیم
هر فردی از افراد کابینه را یک پارتی مخصوص
معین میکند و در میان هفت نفر اعضای کابینه دؤنفر
باهم متفق و موافق نمی شود !!

دولت محتاج بول میشود، چون طلم لفاظی است
از ولایات تلگرافات بالا بلند خطاب بابران و مجلس
و و که جناب فلاط چه شق القمر ها کرد،
جمعی مشحون از وجوه و اعیان مملکت فراهم
آورد ترتب اعاءه ریختند و نقشه تحصیل آت را
کشیدند، در همان مجلس صد هزار تومان جمع شد،
از ولایات دیگر تلگراف بالا بلند تمام روزنامهها
میرسد با عباراتی که طرق طرقتش گوشهها را کر
می کند که حضرت فلان محبی ابران معجزات عیسی
را بآب داد، تمام اشراف و اعیان وجوه عظام و
مخادم گرام را جمع آورده نطق مفصلی که سبحان
وائل را بحیرت و قالب مرده را روح میداد در
لروم و محسنات استقراض ملی و وخامهای استقراض
خارجی نمودند که سیلاب خون از چشمها جاری شد
بعد تمهید اساسی چیده محل ادای قرض و ترتیب
آن را معین و اطمینان مردم را فراهم کردند در
همان مجلس هرکس مبلغی متقبل شده حواله داد که
یک کروور بالغ شد، و بولایات دیگر هم از این
اقدام اطلاع و آنها را بخدمت در راه وطن دعوت
کردند (چنین کنند بزرگان جو کرد باید کار)
روزنامهها هم این تلگراف ها را طبع و هر یک هم
مقاله بالا بلندی در حسب و نسب و خدمات سابقه
و لاحقته آن (فلانی ها) نوشته ضمیمه واپورتیهای
تلگرافی کردند، وقتی که شخص حساب می کند
می بیند متجاوز از سی کروور وجه اعانه و قرض
جمع شده بحقیقت که میرسد می بیند دیناری در میان
نیست و خبر تلگرافی (روتر) در روزنامههای اروپا